

میزگرد

تقریب بین مذاهب اسلامی

به کوشش و مقدمه:

سیدهادی خسروشاهی

بخش اول

مقدمه

درباره تقریب، شیوه ها و ادبیات

سیدهادی خسروشاهی

مقدمه

حرکت تقریب بین مذاهب اسلامی، در دهه چهل میلادی - دقیقاً در سال ۱۹۴۷ م - به همت استاد علامه، آیت الله شیخ محمدتقی قمی، که توسط مرحوم آیت الله بروجردی از ایران - قم - به قاهره اعزام شده بود، با همکاری شخصیت های بزرگ الازهر و معاریف مصر، و بعضی از علمای بلاد اسلامی دیگر، در قاهره تشکیل گردید و با نشر فصلنامه وزین و علمی «رساله الاسلام» در تحکیم اندیشه تقریب و نشر اصول و مبادی همکاری بین مذاهب اسلامی، تلاش جهانی گسترده ای را آغاز کرد.

در پیدایش این حرکت که تحت عنوان: «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» از قاهره فعالیت خود را آغاز کرده بود، شخصیت هایی چون: شیخ المراغی، شیخ عبدالمجید سلیم، شیخ محمود شلتوت، شیخ حسن البنا، شیخ محمد محمد المدنی، شیخ عبدالعزيز عیسی، شیخ مصطفی عبدالرزاق از علمای مصر و الازهر، و آیت الله بروجردی، آیت الله شیخ عبدالحسین کاشف الغطاء، آیت الله سید محسن امین عاملی، آیت الله سید عبدالحسین شرف الدین، آیت الله سید هبه الدین شهرستانی، آیت الله شیخ محمد جواد مغینه، آیت الله شیخ محمدتقی قمی (از علمای شیعه ایران و عراق و لبنان) و همچنین شیخ امجد الزهاوی و شیخ آلوسی (از عراق) و حاج امین الحسینی (مفتی فلسطین) و شیخ علی مؤید (امام مذهب زیدی یمن) و... شرکت داشتند و در مدت فعالیت خود، توانستند در ایجاد حسن تفاهم بین بزرگان و علمای مذاهب اسلامی، گام های بس مفید و جاودانه ای را بردارند و در ایجاد وحدت اسلامی و رفع شبهات بین هواداران مذاهب اسلامی، نقش عمده و ارزشمندی را ایفا کنند.

متأسفانه به علت شرایط سیاسی حاکم بر بعضی از کشورهای عربی - اسلامی! و تغییر حکومت ها و سرکوب حرکت های اسلامی در اکثر بلاد، و درگذشت پیشتازان و طلعه داران تقریب در کشورهای اسلامی - عربی، این حرکت اصلاح گرانه و بهویژه، مرکزیت آن در قاهره، دچار رکود و سپس تعطیلی کامل گردید و در یک ربع قرن اخیر، این حرکت در عمل، هیچ گونه فعالیت و کوششی نداشت.

... پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، با تأسیس «مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی» در تهران و شرکت جمعی از علمای مذاهب اسلامی در آن، حرکت نوینی آغاز شد، اما متأسفانه غیاب الازهر و عدم شرکت فعال علمای مصر، در آن، نقطه ضعفی بود که آثار منفی آن کاملاً در همه زمینه ها مشهود بود حضور اینجانب در «قاهره» به عنوان مسئول دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران (که در دوران فترت و عدم روابط سیاسی کامل، اداره امور نمایندگی سیاسی ایران در مصر را به عهده دارد) و استمرار اندیشه های «طلبگی»، سبب شد که به فکر احیای مجدد «دارالتقریب» در قاهره باشم و برای همین منظور، ملاقاتهای مشروحی با شیوخ و علمای محترم الازهر انجام گرفت و با حضور برادر مکرم استاد عبدالله قمی، (فرزند مرحوم علامه آیت الله محمد تقی قمی که طبق قوانین مصر، تنها وارث قانونی اداره دارالتقریب می تواند باشد) در صحنه اقدام برای احیای اندیشه تقریب، کار مقدماتی تشکیل یک میزگرد انجام گرفت و به یاری خدا، چند ماه پیش، نخستین میز گرد «تقریب بین مذاهب اسلامی» در قاهره و با حضور شخصیت هایی چون: شیخ سید محمد طنطاوی، (شیخ الازهر)، شیخ فرید واصل نصر (مفتی مصر) دکتر محمد حمدی زقزوق (از علمای الازهر و وزیر اوقاف) و دکتر عمر احمد هاشم (رییس دانشگاه الازهر) و شیخ محمود فرحات (از مجلس اعلای شیعه لبنان) و شیخ احمد بن مسعود السیابی (مفتی مسقط) و اینجانب (از ایران)، تشکیل گردید و در این میز گرد یک روزه، مسائل بسیاری در راستای اهداف تقریب بین مذاهب اسلامی مطرح شد که اکنون، ترجمه کامل مباحث مطرح شده در این اجلاس و یا میز گرد، به مناسبت هفته وحدت در اختیار عموم قرار می گیرد.

بی تردید اگر همکاری جناب شیخ الازهر، و دکتر حمدی زقزوق و دکتر عبدالصبور مرزوق (رییس مجمع البحوث الاسلامیه) و مفتی مصر و برادر مکرم جناب استاد عبدالله قمی نبود، تلاش این حقیر ثمره لازم را نمی توانست به دنبال داشته باشد، اما یاری خداوند و نیت های پاک و روابط برادرانه، سبب گردید که نخستین میزگرد در قاهره با موفقیت کامل همراه شود و ما امیدواریم که هر چندی یک بار، میز گردها و یا سمینارهای مشابه دیگری با شرکت علمای همه بلاد اسلامی و همکاری الازهر شریف و دارالتقریب قاهره و مجمع جهانی

تقریب در تهران، در کشورهای اسلامی دیگر تشکیل گردد و علمای محترم بلاد اسلامی بتوانند راهکارهای جدیدی برای پیشبرد اهداف با توجه به توطئه‌های امپریالیسم و صهیونیسم بر ضد جهان اسلام و شبیخون‌های فرهنگی بر ضد مسلمانان، در پیش پای امت اسلامی قرار دهند.

این، تنها هدف ما از احیای اندیشه تقریب در قاهره است و انتظار همکاری و تعاون در امر برّ و تقوا، تنها انتظاری است که از برادران و دوستان مسلمان ایرانی و غیرایرانی داریم

* * *

... پس از اشاره به موضوع این بحث و چگونگی پیدایش آن، قصد داشتم که درباره شیوه‌ها و ادبیات تفاهم و تقریب بین مسلمانان و مذاهب اسلامی موجود در جهان اسلام، با نقل اسناد و مدارک و فتاوی علمای بزرگ الازهر شریف، درباره شیعه و تشیع، که از زمان صدور فتوای مرحوم شیخ محمود شلتوت و پس از مکاتبات زیاد با مرحوم آیت الله بروجردی، در اختیار ما قرار گرفته است، دیدگاه‌های خود را مطرح سازم، اما متأسفانه کسالت شدید و عمل جراحی سنگین و بستری شدن دراز مدت در بیمارستان دی در تهران، مرا از این هدف بازداشت و فکر می‌کردم که این بحث برای نشر در «هفته وحدت» آماده نخواهد شد، (اگر چه ترجمه اصل مباحث میزگرد را از قاهره آماده کرده بودم)، ولی وقتی بحث پرمایه برادر عزیز و ارجمند، سماحۃ العلامة الشیخ محمد علی تسخیری که در اجلاس اخیر الجزایر (فروردین ماه ۱۳۸۱) مطرح شده است، در بیمارستان به دستم رسید، دیدم که محتوای آن تقریباً شامل بسیاری از نکاتی است که من در نظر داشتم آنها را به عنوان مقدمه در چاپ ترجمه فارسی مباحث میزگرد قاهره، مطرح سازم و به رشته تحریر درآورم و حیقم آمد که خلاصه آن دیدگاه‌ها - که منطبق با دیدگاه‌های نویسنده این سطور است - در این مقدمه نقل نکنم. به ویژه که برادر عزیزم آقای تسخیری، خود در اجلاس قاهره شرکت داشت و در واقع سخنگوی همه ما در آن اجلاس هم بود!

اینک، ضمن تشکر از آیت الله شیخ محمد واعظ زاده و العلامة الشیخ محمد علی تسخیری، که هر دو، بزرگوارانه دعوت این جانب و استاد عبدالله قمی را پذیرفتند و در میزگرد «قاهره» شرکت کردند، قسمتی از بحث جناب تسخیری را

که مربوط به شیوه ها و ادبیات تقریب است، در این مقدمه، برای استفاده عموم، نقل می کنم:

* * *

درباره تفاهم و نزدیکی مذاهب

... تفاهم و درک متقابل، چیزی است که قرآن کریم، همگان را بدان فرا می خواند و آن را نه تنها به دینداران بلکه به عموم افراد بشر، جز آنان که راه ستم پیشگی و ستیزه جویی در پیش گرفته اند، توصیه می کند. وقتی وارد عرصه اسلام می شویم این نکته از اهمیت و تأکید فزونتری برخوردار می شود چرا که اسلام، عرصه برادری، وحدت، تسامح، پذیرش اصول اسلامی و تحمل اختلاف نظرهای اجتهادی است که در آن مسلمانان، در مورد اصول، اتفاق نظر دارند همچنان که در خصوص درصد بالایی از احکام شرع نیز متفق القولند و در برخی نظامهای اسلامی، از جمله نظام اخلاقی، تربیتی، معاملات و نظام جزایی و جز آن، اختلاف ها بسیار اندک و گاه نزدیک به صفر است.

آری، وقتی وارد عرصه اسلام و مسلمانی می شویم که قرآن کریم و نیز سنت نبوی شریف، همواره با تعبیر یک سان «یا ایها الذین آمنوا» از آن یاد می کنند، و علی رغم گوناگونی احتمالی راه های دریافت دین، از منبع واحدی تغذیه می شود، و از سرنوشت واحد، تاریخ و سرگذشت یگانه، منافع و مصالح متحد و در عین حال یک شعار و یک سمت گیری برخوردار است، در چنین عرصه و گستره ای، تفاهم داشتن و همرنگی، از بدیهیات اولیه آن است و نیاز به هیچ گونه استدلالی هم ندارد.

شبهه های موجود:

در این میان شبهه هایی به شرح زیر، گاه همراه با حسن نیت و گاهی توأم با سوء نیت و غرض ورزی، مطرح می شود:

۱. اختلاف ها میان مذاهب اسلامی، در اصول است.
۲. اختلاف میان مذاهب اسلامی ناشی از اختلاف منابع و مصادر آنهاست.
۳. هر طرف، دیگری را به بدعت گذاری متهم می کند.
۴. در بحث، مربوط به پیامدها و الزامات اعتقادی، هر طرف دیگری را متهم به شرک! می نماید.

۵. هر طرف دیگری را به نفاق و توطئه گری متهم می سازد.
 ۶. این گمان که پذیرش گفتگو (با دیگران) برخاسته از شک در مذهب یا پذیرش ضمنی یا تلویحی دیدگاه دیگران است.
 ۷. تقریب مذاهب با هدف یکسان سازی و تحمیل یک مذهب بر دیگری است و چون این امر، باطل است، فراخوان تقریب نیز باطل و غیرقابل قبول است.
 ۸. تقریب میان مذاهب، انتقال پیروان یک مذهب به مذهب دیگر را آسان می کند و موجب بهم خوردن تعادل در پیروان مذاهب می گردد.
 ۹. این گمان که تقریب، پوششی برای نفوذ در مذاهب دیگر و تبلیغ آموزه های مغایر و ایجاد تردید در آنهاست.
 ۱۰. این گمان که «تقریب» حرکتی سیاسی است، ربطی به دین ندارد!
- من خداوند متعال را گواه می گیرم که هیچ کدام از این شبهه ها، وارد نیست و از مرحله شبهه و گمان، فراتر نمی روند هر چند با این که گروهی اقدام به بررسی و مطالعه این شبهات و کشف بی پایگی آنها نمایند، مخالفتی ندارم، ولی در اینجا لازم می دانم که به حقایق زیر، اشاره ای بکنم:
- یکم: وقتی می بینیم که قرآن کریم به مسئله گفتگو حتی با مشرکان و اهل کتاب، اهتمام می ورزد، چگونه می توان تصور کرد که تفاهم میان مسلمانان را منع کرده باشد؟
- دوم: بحث قرآنی و حدیثی گسترده ای درباره مدارا، به عنوان صفتی پسندیده برای مسلمانان و کیفیت ارتباط آنان با دیگران وجود دارد که در اینجا فرصتی نیست تا به تفصیل به آن بپردازیم.
- سوم: بزرگان، سران و ائمه مذاهب، در کنار یکدیگر می زیستند و نزد همدیگر درس می خواندند و هر کدام از ایشان به دوران شاگردی نزد دیگری، افتخار می کردند، همچنان که آنان هرگز ادعای داشتن انحصاری حقیقت را نمی کردند، حال آن که برخی پیروان آنان را می بینیم که حتی از تفاهم با دیگران نیز اجتناب می ورزند.
- چهارم: ما شاهد حرکت تقریب مذاهب در دهه چهل (میلادی) در الازهر بوده ایم که بزرگان و علمای گرانقدری در آن شرکت داشتند که جملگی از

علمای بزرگوار سنی و شیعه بودند که پرچم تقریب را برافراشتند و در این راه گام برداشتند، آیا می توان گفت که شبهه های یاد شده که برخی از آنها ریشه ای هم هستند، از دید آنها پنهان بوده است؟

مرحوم شیخ محمد محمد المدنی، مؤده رسان گام ارزنده ای بود که دانشگاه الازهر را با تدریس فقه شیعه امامیه و زیدیه در بزرگترین دانشکده الازهر برداشت. و البته گام دیگر، در همان ایام با وارد کردن فقه اهل سنت در دانشکده معقول و منقول (دانشگاه تهران) از سوی ایران برداشته شد.

پنجم: حرکت تقریب امروز پیشرفت گسترده و پذیرش همگانی شایسته ای داشته است، بهترین شاهد این مدعا، اقدام بزرگترین مجمع فقهی یعنی مجمع فقه اسلامی جده، در ایجاد واحدی به نام «شعبه التقریب بین المذاهب الاسلامیه» و نیز ایجاد و برقراری فضای همدلی و آزادمنشی در نشست های عمومی آن است که نشان دهنده وحدت منابع و دیدگاه ها (در میان مذاهب مختلف اسلامی) و آغوش باز پذیرش اجزای مختلف جهان اسلام، نسبت به یکدیگر است.

در همین راستا، در جمهوری اسلامی ایران نیز «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» شکل گرفت که در شورای عالی آن، علمایی از مذاهب گوناگون اسلامی عضویت دارند و این مجمع نیز به نوبه خود «دانشگاه مذاهب اسلامی» را بنا نهاده است.

علاوه بر اینها، سازمان جهانی اسلامی علوم و تربیت (ایسکو) نیز «تقریب» را به مثابه هدفی برای خود در نظر گرفت و کنفرانس ها و گردهمایی های متعددی در سرتاسر جهان، درباره آن برگزار کرد. مراکز علمی، دینی در کشورهای اسلامی از جمله: مراکش، مصر، الجزایر، اردن، سوریه، لبنان، ایران، پاکستان، سودان، مالزی، اندونزی و... نیز در راستای تأکید بر همین حقیقت بود که میزگردها و کنفرانس های بین المللی برگزار کردند.

ششم: لازم است روشن گردد که منظور ما از «اصول» چیست؟ تا معلوم شود که وقتی می گوییم در اصول اختلافی وجود ندارد، یعنی چه؟ اگر مباحث تفصیلی مربوط به مرز اسلام و غیراسلام (مسلمانی و غیرمسلمانی) را با استناد به آیات قرآنی و روایات شریفه، فشرده سازیم به این نتیجه می رسیم که این متون، موارد زیر را به عنوان مرزهای مسلمانی در نظر گرفته اند:

۱. ایمان اجمالی به یکتاپرستی.
 ۲. ایمان به پیامبری رسول اکرم(ص) و لزوم اطاعت از دستورات و آموزه‌هایی که از وی شرف صدور یافته است.
 ۳. باور به قرآن کریم و انجام تمامی اوامر و نواهی آن و پذیرش دیدگاه‌ها و آموزه‌هایی که در بردارد.
 ۴. ایمان به روز رستاخیز.
 ۵. ایمان به این که اسلام، مجموعه احکامی است که رفتارهای فردی و اجتماعی انسان را سامان می‌بخشد و لازم است به مورد اجرا گذارده شوند. که به نظر من، در مورد این اصول، میان مذاهب مختلف اسلامی، هیچ گونه اختلافی وجود ندارد، هر چند در مورد جزئیات، ممکن است اختلاف نظرهایی وجود داشته باشد، جزئیاتی از قبیل:
 ۱. صفات الهی و رابطه آن با ذات (الهی).
 ۲. مسائل فرعی عقیدتی مثل «جبر و اختیار»، «قضا و قدر»، «شفاعت».
 ۳. اثبات یا رد برخی روایات به لحاظ سند یا مضمون اختلاف‌های دیگری نیز بر آن مرتب می‌شود.
 ۴. مسائل مربوط به خلافت و امامت.
 ۵. در برخی از احکام تشریعی :
- ولی با این وصف، همگی اتفاق نظر دارند که اگر چیزی در قرآن کریم یا سنت شریف نبوی ثابت گشت، بی هیچ تردیدی باید آن را پذیرفت و بدان تن داد. لازم به یادآوری است که برخی، تلاش دارند تا با یادآوری پیامدهای اعتقاد به فلان نظر یا رأی فقهی، طرف مقابل خود را به خروج! از دایره اسلام سوق دهند. چنین روشی در این عرصه و مادام که طرف مقابل، چنین الزامی را نپذیرفته است، مردود است، زیرا اگر او این لوازم را می‌پذیرفت، با فرض ایمان به اصول یاد شده، لازم می‌آمد که از آن اعتقاد، دست شوید، در نتیجه نمی‌توان کسی را با این استدلال که به نظرمان لازمه فلان اعتقاد و پذیرش به همان رأی فقهی یا نفی اصول (یا یکی از اصول) اولیه دین است، از اسلام خارج کرد و بدین ترتیب مسئله اتهام به بدعت و شرک را برای همیشه باید حل کنیم
- هفتم: روشن است که منابع شرع از نظر همه مسلمانان، کتاب خدا و سنت نبوی است که البته با اختلاف نظر در رابطه قرآن با سنت و یا این که مثلاً آیا سنت می‌تواند احکام علم قرآنی را تخصیص بزند یا خیر؟ منافاتی ندارد و نیز با

اختلاف نظر در راه های دسترسی به سنت، و یا با اختلاف در دلالت تقریر نبوی، و یا بالاخره با اختلاف نظر در این که آیا پیامبر اکرم (ص) فرمان های خود را به اعتبار حاکم بودن صادر فرموده است یا پیامبر بودن؟

هشتم: ما از لحاظ شرعی، از حربه تهمت زنی و شک و تردید و ایجاد شبهه در نظرات دیگران، منع گشته ایم.

نهم: حرکت تقریب، همچنان که کاملاً روشن است، هرگز در پی ادغام یا ذوب هیچ یک از مذاهب در دیگری نیست، این حرکت بر این باور است که از یک سو، تمامی مذاهب ذخیره و ثروت این امت و تمدن به شمار می روند و از سوی دیگر، اعتقادش بر آن است که ایده مذهب واحد، تنها یک پندار و ایده ای صرفاً خیالی است.^(۱)

دهم: احیای حرکت تقریب، با توجه به توطئه های جهانی دشمنان اسلام و وسعت دامنه آن، یک ضرورت اجتناب ناپذیر برای بیداری و هوشیاری امت اسلامی است... در واقع احیای این حرکت یک وظیفه واجب عینی برای کسانی است که توان احیای آن را دارند. و ما به یاری حق در این راه گام می گذاریم و از خدای بزرگ طلب یاری می کنیم و از همه برادران مسلمان در همه نقاط جهان، انتظار همکاری و تعاون داریم.

امام خمینی (ره) بارها در بیانات خود اشاره و یا تصریح کردند: «دشمن، فرقی بین سنی و شیعه قائل نیست و خواستار نابودی همه مسلمانان است...» و به همین دلیل، اینک وظیفه همه ما مسلمانان - شیعه و سنی - ایجاب می کند که در قبال هجوم دشمن - قاتلان انبیاء و آغازکنندگان جنگ صلیبی جدید! - با تمام توان به مقابله برخیزیم و در وحدت امت اسلامی بکوشیم و یقین داریم که خداوند در این راه، یار و یاور ما خواهد بود: «ان تنصروا الله ینصرکم و ینتصرون» اقدامکم»

(۱۲) ربیع الاول ۱۴۲۳ هـ - خرداد ۱۳۸۱

تهران: سید هادی خسروشاهی

۱. هفته نامه بعثت شماره ۱۱۰۲، سال بیست و سوم ص ۲.

بخش دوم

تقریب

بین مذاهب اسلامی

۱

«الاهرام» امروز پرونده «تقریب میان مذاهب اسلامی» را می‌گشاید، با این درک و باور که اسلام دین عقل است که با متغیرهای زمان و مکان سازگاری دارد. تعمیق و گسترش مفاهیم صحیح دین مبین و تصحیح اشتباهات، امری لازم است. این اشتباهات گاهی به سرحد ارتکاب گناه و پاشیدن بذر فتنه و اختلاف میان مسلمانان می‌رسد و آنان را به صورت احزاب و فرقه‌های متخاصم در می‌آورد که هر کدام مدعی می‌شود که فقط او به تنهایی نماینده اسلام است! و دیگران را «کافر» می‌خواند و خون آنها را مباح می‌شمارد و به خونریزی دعوت می‌کند، همان طور که امروزه در پاره‌ای از کشورها شاهد چگونگی آن هستیم. بنابراین مسئله اختلاف برای امت اسلامی خطر دارد و در رأس دل مشغولی‌های زندگی روزمره قرار می‌گیرد در حالی که فرض بر این است که مسلمان با مسلمان، در یک وحدت واقعی نزدیک شود، می‌بینیم که از یکدیگر دور می‌شوند و حتی در برابر هم سنگرمی‌گیرند!

به همین دلیل، به این موضوع توجه کرده و این پرونده را باز می‌کنیم تا تلاش‌های تقریب بین مذاهب و یا به تعبیر دیگر، «پیروان این مذاهب» را فعال سازیم بی‌آنکه برخی از علماء را که عهده‌دار رهبری دینی هستند، از مسئولیت ارائه تفسیر نادرست مبرا بدانیم، در حالی که وظیفه آنها با این رویه تعارض دارد، زیرا اسلام همواره نور علی نور بوده است!

با این مفهوم و هدف، این میزگرد با هماهنگی «شورای عالی امور اسلامی» - مجمع البحوث الاسلامیه - پس از توافق با دکتر محمود حمدی زقزوق وزیر اوقاف و تأیید پرشور امام اکبر، شیخ الازهر و بعد از ملاقات‌های مکرر با طرف ایرانی و دارالتقریب در «قاهره» برگزار شد. اینک گفتگوهای این میزگرد را منتشر می‌کنیم. در بخش پایانی این گفتگوها به تصمیماتی - نه مصوبه‌هایی - در زمینه دعوت که به تقریب و تحقق عملی و علمی آن منجر گردد، اشاره خواهد شد.

«الاهرام»: قاهره

اسلام واحد

محمود مراد: بسم الله الرحمن الرحيم. افتخار دارم که هم اکنون در بین شما آقایان، در این میز گرد شرکت می‌کنم. ما میز گرد را با همکاری «شورای عالی امور اسلامی» تنظیم و برگزار کرده ایم. موجب افتخار است که جناب شیخ دکتر محمد سید طنطاوی - شیخ الازهر - نیز شرکت دارند و بنده از حضور همه آقایان در این میزگرد که به مسئله «تقریب بین مذاهب اسلامی» می‌پردازد، احساس خوشوقتی می‌کنم. فکر می‌کنم ما به تلاشهای عملی بیشتری جهت نزدیک سازی مذاهب اسلامی نیاز داریم. ما همگی پیرو یک دین هستیم، اگر چه «مذاهب» متعددی داریم. از این رو، بسیار مهم است که یک «اسلام» واحد داشته باشیم که «مذاهب» در آن به ستیز نمی‌پردازند، بلکه برای دعوت به حق به طور برادرانه، مکمل یکدیگر می‌باشند. ما همچنین نیازمند آن هستیم که به روند اختلافات بین مذاهب پایان دهیم و آن را بیشتر به هم نزدیک کنیم، بهویژه اینکه ما در آستانه طرح «گفتگوی تمدن‌ها» هستیم، زیرا بعضی ادعا دارند که تمدن‌های مهمتر و بهتر از تمدن ما وجود دارد. ولی ما اعتقاد داریم دین اسلام مؤلفه اساسی تمدن‌های مذکور است. در نتیجه باید برای مقابله با این کشمکش «جهانی شدن» دوش به دوش یکدیگر متحد شویم، تا سخن حق را والایی ببخشیم... البته با دیگران تعامل می‌کنیم و با موضوعی یکسان، وارد گردونه گفتگوی تمدن‌ها می‌شویم. یکبار دیگر می‌گویم موجب افتخار من است که این میزگرد با شرکت شخصیت‌ها و علمای در سطح بالایی برگزار می‌گردد.

وحدت در اصول، اجتهاد در فروع

شیخ الازهر (دکتر سید محمد طنطاوی): بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على سيدنا و شفيعنا رسول الله (ص) و من و الاه... انسان احساس خوشبختی فراوان و خشنودی عمیق معنوی می‌کند و در واقع دلش باز می‌شود وقتی خودش را میان برادران و همکاران خود می‌بیند. این حضور به خاطر لذت زودگذر نیست، بلکه ما همگی برای خدمت به دین مان و امت اسلامی مان، دیدار می‌کنیم.

قرآن کریم تبیین کرده که یکی از دلایل آفرینش انسانها آشنایی آنها با یکدیگر است: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و اثنی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا إن أکرمکم عندالله أتقاکم». قرآن کریم امت اسلامی را یک امت واحد توصیف می نماید: «إن هذه امتکم امة واحدة و أنا ربکم فاعبدون» و در آیه دیگر خداوند می فرماید: «إنما المؤمنون اخوة» و... برای این تلاقی و دیدار، همین افتخار بس است که بر محبت، مودت، دوستی و آشنایی می افزاید.

البته تقریب و نزدیکی مذاهب اسلامی از امور واقعی و حقیقی است، زیرا اختلاف بر سر یکی از ستونهای دین یا یکی از اصول دین نیست. بلکه میان پیروان یک مذهب، چه بسا اختلاف پیدا شود، ولی این اختلافات در امور فرعی - اجتهادی است. هر انسانی نظری دارد و این امر ثابت، در کلیه مذاهب اسلامی مشهود است. ولی همه ما به عنوان مسلمانان - الحمدلله - گواهی می دهیم که: «خدا یکی است و محمد پیامبر اوست» - لا اله الا الله و محمدا رسول الله - و به خداوند و فرشتگانش و کتب آسمانی و پیامبران الهی و روز واپسین و به قضا و قدر، ایمان داریم.

بنابراین، برگزاری این میزگرد به معنای آن نیست که ما در اصول اختلاف داریم، بلکه به معنای آن است که بگوئیم ممکن است «اجتهاد» یک انسان با اجتهاد انسانی دیگر متفاوت باشد و این اجتهاد را در بین پیامبران و حکیمان و امامان و علماء، به طور اخص می بینیم.

در قرآن کریم می خوانیم: «و داوود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیه غنم القوم و کنا لحکمهم شاهدین ففهمناها سلیمان و کلا آتینا حکماً و علماً». وقتی به کتب تفسیر مراجعه می کنیم، سخنان ارزشمندی درباره تفسیر این دو آیه می یابیم که خلاصه آن این است: مردی زمین کشاورزی داشت و مردی دیگر صاحب گله ای از گوسفندان بود و شبانگاه، گوسفندان مرد گله دار، در زمین مرد کشاورز به چرا پرداختند و کشتزار او را خراب کردند، او نزد داوود پیامبر آمد و ماجرا را برای او تعریف کرد. حضرت داوود حکم داد که در ازای خرابی کشتزار مقداری از گوسفندان به مرد کشاورز واگذار شود. به هنگام خروج طرفین دعوا، به حضرت سلیمان برخورد کردند و ماجرا را برای او هم تعریف کردند. ایشان گفت: «اگر مسئله دست من بود، حکم دیگری صادر می کردم». سپس حضرت

سلیمان طرفین را نزد پدر خویش می برد و به ایشان می گوید: «ای پیامبر خدا، آیا چنین حکمی صادر کرده ای؟» حضرت داوود پاسخ می دهد: «آری!» سلیمان می گوید: «اگر کار در دست من بود، حکم دیگری صادر می کردم.» حضرت داوود می گوید: «نظر تو چیست ای سلیمان؟» پاسخ می دهد: «نظر من این بود که گوسفندان را به کشاورز می دادم تا از آنها برای مدتی بهره برداری کند، یا اینکه به مرد گله دار تکلیف می کردم که یک بار دیگر زمین را کشت کند و اگر کشتزار به آنچه قبلاً بود، یعنی به زمان قبل از خرابکاری گوسفندان باز می گشت، کشتزار را به مرد کشاورز و گوسفندان را به مرد گله دار واگذار می کردم!» در اینجا حضرت داوود می گوید: «حکم همان است که تو بیان می کنی.»

بنابراین اختلاف درباره امور اجتهادی از جمله موضوعاتی است که قرآن کریم از زبان برخی پیامبران و از زبان برخی حکیمان و صالحان، آن را حکایت کرده است. و بدین ترتیب، خداوند را سپاس می گوئیم که بین ما اختلافی پیرامون اصول وجود ندارد و اگر باشد در فروع است.

اگر اختلاف در غیر فروع پیدا شود، باید مطالب را روشن سازیم و تبیین کنیم و با گفتگو و مباحثه همدیگر را نصیحت کنیم و مادام که نیتها پاک و مقصودها صحیح است، قطعاً به مورد توافق همگانی می رسیم، زیرا خداوند متعال تبیین فرموده که یکی از سنت های تغییرناپذیر الهی این است که پاداش نیکوکاران نزد خداوند محفوظ خواهد بود.

کنفرانس تهران و تقریب...

مفتی مصر دکتر نصر فرید واصل: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على اشرف المرسلين سيدنا محمد و على آله و صحبه و من اهتدى بهديه الى يوم الدين. موجب خوشوقتی این جانب است که در این روز خجسته با مشیت و توفیق الهی در این هیأت گرامی و در این میزگرد علمی خجسته حاضر باشم. موضوع بحث میزگرد تقریب بین مذاهب فقهی است. در این جلسه علمی، بهترین علمای امت اسلامی و در رأس آنان امام اکبر شیخ الازهر و جناب استاد دکتر محمود حمدی زقزوق وزیر اوقاف و امور اسلامی جمهوری عربی مصر و علامه شیخ محمد علی تسخیری و جناب شیخ

محمد واعظ زاده از کشور برادر جمهوری (اسلامی) ایران و سفیر کشور برادر جمهوری ایران، عالم بزرگوار، برادر عزیز سیدهادی خسروشاهی و استاد محمود مراد صاحب دعوت به این میزگرد خجسته، حضور دارند

ما در چارچوب فعال کردن این میزگرد خجسته، برای تکمیل استفاده فراوان که از خلال این کنفرانس علمی اسلامی بزرگ در جمهوری عربی مصر، یعنی کنفرانس «تجدید در اندیشه اسلامی» به دست آمد و پس از موفقیت بزرگ این کنفرانس، بنده فکر می‌کنم موضوع این میزگرد، در واقع بخش عملی نتایج کنفرانس مذکور است، برای اینکه هدف تقریب میان علمای امت اسلامی در همه جای این جهان و تقریب میان افکار امت اسلامی درباره امور دینی و دنیوی و تلاش جهت گردآوری هر آن چیزی است که به مصلحت مسلمانان در همه جای دنیا مربوط می‌شود. آنهم برای تحقق هدفی والاتر، یعنی وحدت مسلمانان و پابندی آنان به اعتقادات و شریعت اسلامی و همزمان، ارتباط آنان با تمدن دنیا در جهت گسترش اسلام با حکمت و موعظه نیکو، - آنچنان که خداوند متعال اراده کرده است - حرکت کنند تا عدالت، تسامح، انسانیت و صلح میان همه افراد بشر تحقق یابد زیرا همه به یک پدر و مادر منسوب هستند و در انسانیت با یکدیگر برابرند و فرقی میان هیچکدام نیست، مگر با تقوا و انتساب به خداوند متعال.

در این مناسبت خجسته، اکنون ما می‌بینیم که پس از این موفقیت بزرگ، چه در مورد این کنفرانس و یا تلاشهای قبلی علمای بزرگ در زمینه تقریب بین مذاهب فقهی اسلامی، به رهبری شیخ محمود شلتوت و حضرت امام بروجردی از ایران، تأسیس «مکتب تقریب»، به عنوان واقعیتی انجام شده درآمده است.

علمای سپس از طریق ارتباط علمی و همکاری جهت اجرای عملی این مهم، به این حرکت ادامه دادند تا اینکه نتایج مبارک مصوب در «کنفرانس تهران» به دست آمد و شیخ الازهر با هموار کردن همه راهها، هیأتی به نام الازهر برای شرکت در این کنفرانس اعزام نمود. این کنفرانس در دلهای همه ما - علمای مصر و هیأت مصری - و علما و ملت برادر ایران و ملت جمهوری عربی مصر، تأثیر بسیار نیکویی برجای گذاشت و تمام یخ‌های متراکم از دوره‌های پیشین و پیدا شده در سایه استعمار غرب و شرق را که برای تفرقه اندازی میان امت اسلامی در جهت تحقق اهداف خود به وجود آمده بود، آب کرد.

آری، این کنفرانس تأثیر فراوانی داشت و نشان داد که ما نه تنها در اعتقادات و شریعتی که داریم اختلافی با یکدیگر نداریم و برسر یک هدف واحد، ایدئولوژی واحد، دین واحد و شریعت واحد، بلکه بر سر یک مذهب فقهی واحد نیز که با اصول و اعتقادات صحیح ارتباط دارد، تلاقی می‌کنیم، ولی تفسیر در زمینه اجرای عملی، چه بسا به تبع شرایط زمان و مکان و متناسب با هر عصر، متفاوت باشد که آن هم در جهت تحقق هدف مطلوب، یعنی ادامه حیات امت اسلامی است که به عنوان امتی میانه، با حکمت و موعظه نیکو به پرستش خداوند دعوت می‌کند.

از این رو، من فکر می‌کنم اصل موضوع تقریب بین مذاهب اکنون به یاری خدا تحقق یافته است، ولی آنچه لازم است، تقریب میان افکار امت اسلامی و علمای آن از نظر خط مشی و رویه ای است که به وسیله آن بتوانند منازعه، چند دستگی و اختلاف را از میان بردارند. زیرا این منازعه، موجب تفرقه و پراکندگی مسلمانان به شکل فرقه‌ها و احزاب شده تا آنجا که مسلمانان، چه در مسائل مربوط به بخش دینی و چه موضوعات بخش روشنگری، با یکدیگر به ستیز و دعوا می‌پردازند.

اسلام اختلاف مذاهب را یک اصل در اندیشه اسلامی می‌داند. پیامبر(ص) این واقعیت را تصویب کرد وقتی فرمود: «هر کس اجتهاد کند و اجتهادش درست باشد دو پاداش می‌گیرد و هر کس اجتهاد کند و اجتهادش نادرست باشد، یک پاداش می‌گیرد.» بنابراین اختلاف آرای فقهی یا وجود مذاهب گوناگون از نظر درک و برداشت واقعی است که شریعت و اندیشه اسلامی به آن ایمان دارد و پیامبر (ص) نیز به آن ایمان آورده و به یارانش آموخته است و مسلمانان پی در پی از یکدیگر آن را آموخته‌اند تا اینکه استعمار وارد شد و خواست بین مسلمانان تفرقه ایجاد کند و تلاش کرد اختلاف در این برداشت‌های فکری را، گویی اختلاف در اصول عقیده و انمود کند و خلط مبحث شد و اختلاف در اجتهاد مذهبی و دستیابی به حقیقت شرعی، طبق دلیل شرعی، به اختلاف در زمینه مذاهب اسلامی یا مذاهب کلامی مبدل شد و در اینجا منشأ اختلاف به وجود آمد. پس آنچه اکنون لازم است، این است که دلایلی را که به اختلاف افکار و برداشت‌های مسلمانان انجامیده و موجب جا افتادن مذاهب فقهی و

تبدیل آن به چیزی شبیه به مذاهب کلامی شده است، جستجو کنیم. پیروان این مذاهب یعنی عامه مردم نیز دچار اختلاف شدند و این به عرصه سیاسی یا فرهنگی سرایت پیدا کرد و بر کل امت اسلامی تأثیر گذارد و استعمارگر با سوء استفاده از موقعیت، به فکر ایجاد تفرقه افتاد و به همین دلیل، پیامدهای منفی و زشت جنگ مسلمان با برادر مسلمان را همان گونه که میان عراق و ایران اتفاق افتاد و یا میان عراق و کویت رخ داد، مشاهده کردیم.

محمود مراد: جناب مفتی نکات مهمی را مطرح کردند. آیا مسئله اختلاف بین مذاهب است. یا مسئله تقریب بین مذاهب؟ یا مسئله اختلاف یا تقریب میان افکار است و آیا باید این افکار را روشن کنیم؟ یا باید تقارب بین مذاهب را به شیوه های دیگر روشن سازیم؟ مسئله چیست؟ و چرا همواره مسئله اختلاف بین مذاهب در اسلام میان شیعه و سنی و میان این و آن برانگیخته می شود؟ چرا موضوع همانند مسئله ای بزرگ به نظر می رسد که بر اندیشه و اوضاع و اصول مسلمانان تأثیر می گذارد و به گونه ای به تضعیف قدرت مسلمانان در قبال نیروهای دیگر می انجامد؟

مسئله چیست؟

شیخ محمد علی تسخیری: بسم الله الرحمن الرحيم و الصلاه و السلام علی محمد سید النبیین و آله الطاهیرین و صحبه الکرام.. قبل از هرچیز بر خود لازم می بینم به شیخ بزرگمان، شیخ الازهر و برادر بزرگوار دکتر زقزوق و همچنین برادر عزیزمان جناب مفتی به خاطر موفقیت کنفرانس بین المللی اسلامی^(۱) تبریک بگویم. این کنفرانس یکی از سنت های مسلمانان را احیا کرده تا هر سال گرد هم آیند و مسائل حیاتی خویش را بررسی کنند. به همه شما تبریک می گویم و امیدوارم این سنت استمرار یابد.

استاد محمود مراد سؤال مهمی را مطرح کردند: «مسئله چیست؟» در واقع وقتی علمای ما پیرامون مسئله ای به بحث می نشینند، به اصطلاح اصل موضوع مورد بحث را روشن می کنند، تا یکی از طرف ها به سمت چیزی و طرف دیگر، به سوی چیز دیگری نرود و هرکدام بر خلاف حقیقت، چیزی را اثبات و چیز

۱. مراد کنفرانس اسلامی «تجدید اندیشه اسلامی» است که در آن ایام در قاهره تشکیل شده بود.

دیگری را نفی نکنند. البته این جلسه ما، جلسه همدلی و جلسه گفتگو است نه جلسه منازعه، ولی مایلیم به سنت علماء و بزرگان در مسیر فقهی اجتهادی مان، اشاره کنم.

منظور از تقریب چیست؟

در واقع اگر شبهات موجود را بزداییم، موضوع و محور بحث روشن می گردد. ما خواستار نزدیکی افکار هستیم. از هر اندیشه ای می خواهیم اندیشه دیگر را درک کند و می خواهیم اندیشه را از سرچشمه آن بگیریم و آرای دیگران را از منابع و طرق خودشان بشناسیم. می خواهیم همگان بر نقاط مشترک فیما بین تأکید کنند تا با یکدیگر کار کنند و برای تعمیق آن همکاری نمایند و در آنچه مورد اختلاف واقع می گردد، همدیگر را معذور بدانند، همان گونه که مرحوم شیخ رشید رضا - یا یکی دیگر از شخصیت های بزرگ - گفته است.^(۱)

ما در واقع معنای ذوب کردن را مدنظر نداریم و نمی خواهیم مذاهب در یکدیگر ذوب شوند، زیرا مذاهب افاضات بزرگی است که اندیشه اسلامی را نمایان می سازد و نشان دهنده چشم انداز گسترده ای است. به همین دلیل ما خواهان ذوب کردن نیستیم. همچنین چیره ساختن را نمی خواهیم! یعنی نمی خواهیم مذهبی را بر مذهبی دیگر چیره سازیم تا بگوییم که این مذهب قویتر از آن مذهب است، خیر! نه ذوب کردن و نه چیره ساختن را، بلکه تقریب را می خواهیم برای تحقق تفاهم بیشتر... تا در نتیجه دست ها در دست های دیگر گذارده شود و موضوع عملیات یکسان و مورد نظر را که امام شیخ الازهر، بدان اشاره کرده اند اتخاذ کنیم. تا امتی واحد، چه در تحقق ساختن خویشتن خویش و چه در رویارویی با دشمن مان، باشیم.

قرآن کریم به رویارویی با چالش ها اشاره کرد، می فرماید: «والذین كفروا بعضهم اولياء بعض إلا تفعلوا، تكن فتنة في الأرض و فساد كبير». حال به سؤال دیگری در مورد ریشه های شرعی تقریب می پردازیم یعنی چگونه به این موضعگیری، پایه و اساس شرعی می بخشیم؟ فقها می گویند پایه و اساس روشن است و جناب «مفتی» بدان اشاره کردند که اسلام نسبت به تحولات آینده،

۱. این سخن از شهید شیخ حسن البنا یکی از مؤسسين دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه، منقول است.

پیش بینی های لازم را کرده است و برای احکام ثابت، احکام ثابت قرار داده، ولی با توجه به متغیرهای زمانی و مکانی، برای جذب و مهار این متغیرها، از خود انعطاف نشان داده است.

اجتهاد یکی از مهمترین نشانه های انعطاف پذیری می باشد. بنابراین اسلام با اجتهاد موافقت کرد و از این رو دعوت به وحدت، دعوت به اتحاد، موضع گیری عملی در عین اختلاف نظر است و این یک امر طبیعی است.

به مرحله سوم می پردازم و می گویم: اگر این روند به عنوان غنای فکری و مشارکت تمدنی است، پس چرا در گذر تاریخ این همه اشکها و خونها جاری شده است؟ چرا در طول مسیرمان با این ضربات خشن و کشنده روبرو شده ایم؟ فکر می کنم اگر دلایل را خلاصه کنیم، دو عامل ظاهر می شود: یکی مربوط به علما و مجتهدان است و دیگر به سایر قشرها مربوط می شود. بعضی ها متأسفانه به تنگ نظری و تعصب ذاتی توجه ناپذیر، دچار شدند. عامل دیگر، از این تنگ نظری و تعصب سوء استفاده کرد. این عامل دیگر، همان مصالح حکمرانان و خودکامگان است که از تاریخ ما گذر کردند و این تاریخ، را زخمی و خونین ساختند و میان تنگ نظری حکمرانان و برخی عوام، با منافع شخصی حکمرانان سرکوب گر، همکاری پدید آمد و آنان اختلاف مذهبی - تمدنی زیبا را به اختلاف مذهبی زشت و فرقه گرایی کشنده، مبدل کردند که رودهایی از اشکها و خونها از همه ما گرفته است!.

سؤال چهارم: بنابراین، چگونه تقریب بین مذاهب و موضع گیری واحد را تحقق ببخشیم؟

در اینجا فکر می کنم راهی که باید در پیش بگیریم «راه گفتگو» است گفتگو باید در فضایی آرام صورت بگیرد نه در فضایی نگران کننده، وقتی قریشی ها پیامبر(ص) را به دیوانگی متهم می کردند، در این فضا پیامبر(ص) نمی گفت: من دیوانه نیستم به دلایل اینکه اولاً، ثانیاً... ثالثاً و... بلکه دگرگون سازی فضای جار و جنجال و گشودن راه تعقل را خواستار می شد... سپس می فرمود: به خانه هایتان باز گردید. سپس بیانید... : «و ماصاحبکم بمجنون» بدین جهت، قرآن روش جالبی برای گفتگو و شرایط آن ارائه کرده که فکر می کنم راه صحیح برای رسیدن به نتیجه مطلوب، همین است.

تفاهم و وحدت

مسقط - شیخ احمد بن سعود السیابی: ابتدا لازم است از کسانی که همت کرده اند و این میزگرد را دایر نموده اند و از: شیخ الازهر و جناب آقای دکتر زقزوق و جناب مفتی جمهوری عربی مصر، تشکر کنم. این فکر جالبی است که نمایندگان مذاهب حاضر و فعال در صحنه، در اینجا گرد هم آیند. بی تردید پراکندگی امت اسلامی به صورت گروهها و احزاب در نتیجه عملکردهای سیاسی - تاریخی بوده است و حتی شکاف در میان امت، یا تشتت امت، بنا به دلایل سیاسی بوده که پیرامون حکومتها دور می زد و امت به شکل احزاب کنونی از هم جدا گردید و از نظر اعتقادی و فقهی تحت تأثیر قرار گرفت، سپس تاریخ اسلام در این مسیر ادامه یافت و هر از گاهی، این تفرقه دامن زده شد، تا اینکه امت اسلامی در روند تاریخ تمدنی خویش، دچار ضعف گشته و در برابر استعمارگر، به صورت «شکاری راه گم کرده» در آمد! از جنگ های صلیبی گرفته تا استعمار پرتغال که به عنوان نخستین استعمار غربی در کشورهای اسلامی به معنی و مفهوم استعمار بود. سپس استعمارگران دیگر آمدند. اینها جملگی در نتیجه خودباختگی امت اسلامی و فقدان هویت به سبب تشتت و پراکندگی بود. به نظرم دلیل این وضعیت همان دامن زدن به اختلافات توسط گروههای سیاستمداران با مخالفان سیاسی بود و گزافه نیست اگر بگویم، آنها در پی برانگیختن هرچه بیشتر تفرقه، در بین امت اسلامی بوده اند.

در واقع اکثر پیروان مذاهب اسلامی «عوام» هستند و اگر کسی بخواهد تعداد روشنفکران و اندیشمندان در هر مذهب را شمارش کند، از ۵ درصد فراتر نمی رود! و اگر این میانگین را به ۱۰ درصد بالا ببریم، معنایش این است که ۹۰ درصد پیروان مذاهب عوام اند! که در انتساب به مذهب خویش احساساتی اند، به طوری که هیچ سخن دیگر از مذهب دیگر را نمی پذیرند و به هیچ مذهب دیگری توجه ندارند. در نتیجه این انگ زدن ها پدید می آید... بنابراین، دست کشیدن از انگهای مذهبی و لقبهای اختلاف برانگیز، یکی از اولویتهای وحدت اسلامی است.

ما در واقع خواستار وحدت اسلامی برای امت اسلامی هستیم و تقریب میان مذاهب اسلام عملاً وجود دارد، زیرا درس فقه تطبیقی یا مقایسه ای، هم اکنون

در هر دانشگاه و در هر بخش از بخشهای فقهی، موجود است و اکنون هر پژوهشگری هر حکم فقهی را می داند. پس آنچه مسلم است، این است که ما وحدت اسلامی می خواهیم و این مهم در این زمان امکان پذیر است... حتی اگر مذاهب بمانند... و مهم این است که تفاهم داشته باشیم و ما نیاز به این فضا داریم، تا جایگزین فضای آکنده از دشمنی و نفرت میان پیروان مذاهب گوناگون بشود!

در واقع، میان پیروان مذاهب اسلامی دشمنی وجود ندارد و این دشمنی از موضع گیری های تاریخی و در نتیجه مسائل اعتقادی ناشی می شود و اینها موضوعاتی است که می توان درباره آن ها به بحث و گفتگو نشست.

محمود مراد: وقتی انسان سخنان را از علمای بزرگواری چون شما آقایان می شنود، مشکل آسان می شود و با خود می گوید: اختلافات بزرگی نیست و ما همگی به یک اندیشه و به یک اسلام و یک ایدئولوژی وابستگی داریم، ولی عملاً و در سطح مردم کوچه و بازار و جامعه، می بینیم اختلافات بزرگ و برجسته ای هست و درگیریهایی میان مذاهب گوناگون وجود دارد.

نمی گویم که دیگران برضد ما از این امر سوء استفاده نمی کنند، ولی قبل از اینکه به دیگران نگاه کنیم که چگونه از این امر استفاده می کنند، باید به خودمان نگاه کنیم آنگاه می بینیم اختلافاتی وجود دارد که این اختلافات به طور منفی، در زندگی جوامع اسلامی منعکس می شود. اگر اختلافات میان مذاهب برای غنی سازی و بارور کردن گفتگو باشد که بسیار خوب است، ولی اینکه اختلافات در کوچه و بازار منعکس شود و به سرحد تکفیر میان افراد مذاهب گوناگون برسد و به سرحد - همانگونه که الآن گفته شد - خونریزی و اشک ریزی برسد، گمان می کنم ما نیاز مبرم و آنی داریم که به این موضوع پایان دهیم.

وحدت امت، عبادت حق

ایران - شیخ محمد واعظ زاده: از شرکت همه شما در این میزگرد مهم تشکر می کنم و به همه شما از صمیم قلب خوش آمد می گویم. البته این اهتمام و توجه شما برای حمایت از فرایض الهی است. ما مسلمانان در هر زمان، به ویژه در این برهه، باید به وحدت امت اسلامی توجه کنیم تا این سخنان خداوند متعال

را که می فرماید: «ان هذه امتکم أمة واحدة و أنا ربکم فاعبدون» و در آیه دیگر: «إن هذه امتکم واحده و أنا ربکم فاعبدون» لیبیک بگوییم. خداوند متعال در این دو آیه میان وحدت امت و پرستش خداوند، ربط داده است.

آری وحدت امت، مهمترین تکلیف الهی بر عهده ما به شمار می آید. زیرا امت را در جایگاه مناسبی در بین امت ها قرار می دهد. بنابراین بحث درباره پشتوانه عزت امت اسلامی امری ضروری است. زیرا در اختلاف و افراط گرایی امت جز ضرر و زیان چیزی وجود ندارد.

برادران علماء ارتباط نزدیکی داشتند با آن سازمان بزرگ که «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» خوانده می شد و نیز ارتباط داشتند با مشایخ بزرگ که جماعت تقریب بین مذاهب اسلامی را تشکیل دادند و در رأس آنان دو امام بزرگوار که - هر دو شیخ الازهر بودند - یعنی: مرحوم شیخ عبدالمجید سلیم و مرحوم شیخ محمود شلتوت و شخصیت های دیگری که در تأسیس دارالتقریب شرکت داشتند. مخصوصاً دو امام با اخلاص علامه شیخ عبدالعزیز عیسی و شیخ محمد محمد المدنی و نیز استاد بزرگ ما امام بروجردی.

بنده اندیشه تقریب بین مذاهب را از مجله رساله الاسلام (که به نظرم بهترین مجله اسلامی است که تا کنون منتشر شده است) آموختم، اولین شماره این مجله برای مرحوم پدرم رسید و من بارها آن را خواندم تا اینکه مفاهیم بلند آن از اولین تا آخرین شماره، در جان و دلم راه یافت و تمام آن را از بر و حفظ کردم.^(۱) همچنین افتخار داشتم با علامه شیخ محمد تقی قمی دبیر کل دارالتقریب - در قاهره که تمام کارهای دارالتقریب را انجام می داد، همیشه ملاقات داشته باشم.

در پایان عرض می کنم ادیان و یا مذاهب، برجسته ترین مصداق این فرموده الهی است: «ألم ترکیف ضرب الله مثلاً، کلمة طيبة کشجرة طيبة أصلها ثابت و فرعها فی السماء تؤتی أكلها کل حین یأذن ربها» دین مانند درختی ثابت و تغییرناپذیر است و مذاهب شاخه های متعدد آن که بدون محدودیت و بی نهایت

۱. مجموعه کامل مجله «رساله الاسلام» در ۱۵ مجلد از سوی «مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی» در تهران تجدید چاپ و منتشر شده است.

بارور می شود... همان گونه که امت هر روز تا روز واپسین، نیاز مداوم به آنها دارد.

گفتگوی اسلامی - اسلامی

مصر - دکتر محمود حمدی زقزوق: بنده سخنم را از ملاحظه ای که استاد محمود مراد قبلاً گفتند، شروع می کنم. ما نمی خواهیم مشکل را ساده و آسان کنیم و بگوییم همه چیز بر وفق مراد است و هیچ گونه اختلافی نیست و ما آیات قرآن و احادیث پیامبر و همه چیز را داریم و ما آنها را تکرار کرده و بر آن دعوت می کنیم تا این گونه به نظر برسد که مطلقاً چیزی وجود ندارد، در حالی که باید بی پرده اعتراف کنیم: نه! چیزی وجود دارد که مذاهب اسلامی را از یکدیگر دور می سازد و گرنه اینجا دور هم جمع نمی شدیم، تا درباره «تقریب» به بحث بنشینیم.

مسئله، مسئله اختلاف میان مذاهب فقهی نیست، زیرا مذاهب فقهی با یکدیگر اختلافی ندارند و حتی در بخش سنی، چهار مذهب فقهی وجود دارد که هر کدام دیدگاه متفاوتی دارد.

رسم بر این بوده است که مصر برای تمام اختلافات مذهبی بدون احساس تنگنا، سعه صدر داشته باشد و هرکس از مسجد سلطان حسن بازدید کند، در آنجا مدرسه ای می یابد که جزو مدارس تاریخی باستانی به شمار می آید و در آن، مدرسه ای برای مذاهب چهارگانه فقهی، در کنار یکدیگر موجود است که بخش هایی از آن برای شافعیه و حنفیه و حنبلیه و مالکیه است، بنابراین مسئله، مسئله اختلاف میان مذاهب فقهی نیست، ولی چیزی وجود دارد که میان فرزندان امت اسلامی جدایی می افکند.

موضوع دیگر این که کشمکش هایی که در گذشته به وقوع پیوسته و به وقوع جنگها انجامیده و جناب شیخ محمد علی تسخیری درباره آنها سخن گفتند، کشمکش های تاریخی است که نسلهای کنونی مطلقاً هیچ دخالتی در آن نداشته اند. همان طور هر نیکی و خیری که در گذشته اتفاق افتاده، نسل های کنونی نقشی در آن نداشته اند، یعنی هر نوع عمل منفی که در گذشته رخ داده نسلهای کنونی در آن گناهی مرتکب نشده اند. از این رو باید جزو مسئولیت علما باشد که این امور را روشن کنند، زیرا همان طور که حضرت شیخ محمد

علی تسخیری نیز گفتند: متأسفانه علما در تعمیق اختلافات کمک کرده اند و در نتیجه توده های امت از آنها تبعیت نموده اند و در حال حاضر این کشمکش های تاریخی هیچ توجیه عقلایی ندارد.

جهانی که پیرامون ماست، در تمام زمینه ها به سوی گروه بندیها روی آورده و این گروه بندی ها، برای کشورهای ذیربط در آن، قدرت محسوب می شود، اما از میان نیروهای جهان، فقط جهان اسلام است که هنوز بیدار نشده و توجهی به امور ندارد و نمی خواهد برای رویارویی (نمی گویم برای جنگ) با دیگران، نیروهایش را یکجا جمع آوری کند تا بتواند زنده بماند. شاید در اینجا بد نیست تعبیری جالب و واقعی از دکتر احمد کمال ابوالمجد که به هنگام برگزاری کنفرانس مجلس اعلای امور اسلامی در روزهای گذشته بیان کردند، نقل کنم: «اگر در تاریخ واقعه بزرگ شهادت امام حسین (ع) در کربلا باشد که تأثیر بزرگی در این شکاف میان سنی و شیعه برجای گذاشت، بیم آن دارم که اکنون نیز واقعه دیگری باشد که همه مسلمانان شیعه و سنی در آن کشته شوند.»

مسئله بسیار خطرناک است. جهان به تجمع و گروه بندی روی آورده و مسلمانان همچنان پراکنده اند و درک نمی کنند که اوضاع در عصر حاضر و عصر «جهانی شدن» تا چه حد خطرناک است؟.

اگر میان مسلمانان و غیرمسلمانان گفتگو برقرار می کنیم و سال جاری سال «گفتگوی تمدن ها و فرهنگ ها» است، از باب اولی، باید گفتگوی اسلامی - اسلامی داشته باشیم، یعنی ابتدا خانه را از درون مرتب کنیم و گر نه اگر ما با دیگران وارد گفتگو شویم، ولی خود در درون، متفرق و متشتت باشیم، وضعیت چگونه خواهد بود؟.

و جای تعجب دارد که وارد گفتگو با دیگران بشویم و وجوه مشترک - با دیگران غیرمسلمان را جستجو کنیم، تا در این جهان همزیستی داشته باشیم، ولی فراموش کنیم که برای گفتگوی اسلامی - اسلامی، ضرورتی وجود دارد. اگر به دنبال وجوه مشترک با دیگران غیرمسلمان هستیم، وجوه مشترک میان مسلمانان بسیار فروانند، زیرا در ارکان اصلی و پنجگانه اسلام، مطلقاً اختلافی وجود ندارد، در اصول ایمان به خدا و فرشتگانش و کتب و پیامبرانش و روز واپسین اختلافی

نیست، یعنی هیچ گونه اختلافی بر سر هیچ یک از اصول مسلم اسلام، میان شیعه و سنی وجود ندارد، پس چرا به تعمیق اختلافات ادامه می دهیم؟

البته عناصری وجود دارد که تا امروز به اختلافات فکری، منازعه تاریخی و کشمکش های پیشین دامن می زنند و تلاش دارند یک بار دیگر آن را تکرار و دوباره احیا کنند. از این رو، نباید اینگونه دیدارها فقط به این صورت بگذرد که هر کدام از ما چیزی برای تعارف به دیگری بگوییم و بعد مسئله تمام شود!

شاید بتوانم بگویم که مصر (چنان که گفتیم) در زمینه «تقریب میان مذاهب اسلامی» پیشگام بوده است. زیرا میراث فرهنگی تاریخی مصر همواره اینگونه بوده و مصر فرقی میان مذهبی و مذهب دیگر، قائل نمی شود. مصریان همگی از اول تا آخر بیش از همه مردم، به اهل بیت مهر می ورزند و این واقعیت به هیچ وجه تظاهر نیست... هر مصری در دورترین نقطه جنوب یا شمال کشور به امام حسین (ع) و سیده زینب و همه اهل بیت دل بسته است. زمین بارور برای تقریب در مصر بود که بیش از ۵۰ سال پیش «جمعیت التقریب بین المذاهب الاسلامیه» را ایجاد کرد و تلاشهایی صورت گرفت که بخاطر آن مشایخ الازهر چون: شیخ شلتوت و شیخ مراغی و نیز شیخ عبدالعزیز عیسی و شیخ محمد مدنی و دیگران مبارزه کردند. مضافاً اینکه مجله «رساله الاسلام» گواه راستین این مقوله است و شماره های منتشر شده این مجله در ۱۵ مجلد موجود است.

این الگوی مصری در این زمینه پیشگام است و می توانیم آن را در تمام کشورهای اسلامی توسعه دهیم تا در آنجا نیز جمعیت های تقریب بین مذاهب اسلامی به وجود بیاید و به بار بنشیند، تا این نزدیکی تحقق بیابد. بنده با جناب شیخ محمد علی تسخیری اتفاق نظر دارم که تقریب به معنای ذوب کردن مذاهب. دیگر نیست و نیز به معنای چیره ساختن مذهبی بر مذهب دیگر نیست. چه، هرکس دیدگاه خود را دارد و اختلاف نظر اندیشه اسلامی را غنا می بخشد و مسئله این نیست که فکر کنیم هر اختلاف نظری به معنای منازعه و شکاف است، خیر! اختلاف نظر لازم است، ولی در کنارش تسامح هم باید باشد. به این معنا که هر یک از ما به دیگری حق اظهار نظر بدهد و به آن احترام بگذارد.

امام شافعی در این باره می گوید: «نظر ما نظر درستی است که احتمال دارد اشتباه هم باشد و نظر دیگران نظر اشتباهی است، که احتمال دارد درست باشد!»

بنابراین، مسئله این نیست که بنده نظری دارم و بر دیگری تحمیل می‌کنم و می‌گویم مطلق است! این امر به هیچ وجه جایز نیست: حق مطلق که جای بحث در آن نیست!، بلکه فقط حق همان چیزی است که در قرآن کریم و سنت پیامبر(ص) آمده، آن هم با دلیل قطعی و سوای آن، اجتهاداتی بیش نیست. همه اشتباه یا درست می‌گویند و کسی که اجتهاد کرده و نظر اشتباه می‌دهد، یک پاداش دارد و کسی که اجتهاد می‌کند و نظرش درست باشد، دو پاداش دارد.

از جمله مسائل دیگری که مطرح شده است، مسئولیت حکومت‌ها در پیام‌رسانی اسلامی است. در واقع تقریب یک مسئله سیاسی نیست که حکومت‌ها متصدی آن باشند، بلکه علمای دینی و اندیشمندان مسلمان هستند که در توده‌ها تأثیر می‌گذارند، زیرا توده‌های امت، در هر مسئله دینی، طلب فتوا کرده و از علمای دین سؤال می‌کنند نه از سیاستمداران. در نتیجه علمای دینی باید وظیفه خود را در این خصوص به انجام برسانند تا اذهان مردم روشن شود، و با ارائه طریق تساهل و تسامح راه را بر همگان روشن سازند. اگر تساهل و تسامح به عنوان یک ارزش حکم فرما شود، به محو تمام رسوباتی که همه ما می‌شناسیم و تا کنون نیز همچنان پاره‌ای از آثار آن مشهود است، خواهد انجامید.

بنابراین مسئله این است که گفتگو بین مذاهب اسلامی جهت نزدیکی به یکدیگر ضرورت دارد و این ضرورت در کنفرانس اخیر «مجلس اعلای امور اسلامی» ما را واداشت تا در محور دوم کنفرانس، بندی تحت عنوان «تقریب بین مذاهب اسلامی» اضافه کنیم. همچنین بر اساس همین ضرورت، اکنون در این «میزگرد» می‌نشینیم.

ضرورت احیای حرکت تقریب

ایران - جناب سید هادی خسروشاهی: در واقع اساتید گرامی و در پیشاپیش آنها جناب شیخ الازهر به واقعیت‌های وضع موجود در صحنه اشاره کردند و آن اینکه در اصول، میان مذاهب اسلامی، اختلاف و تفاوتی وجود ندارد. اما اختلاف پیش آمده در فروع فقهی، یک امر اجتهادی است و از زمان پیامبر(ص) واقع شده است و البته این امر، موجب غنای هر چه بیشتر گنجینه فقه اسلامی می‌شود.

واقعیت این است که مصر با دانشگاه الازهر از شصت و پنج سال پیش نقش بزرگ و ویژه ای در اتحاد مسلمانان در چارچوب تقریب بین مذاهب اسلامی ایفا کرد. توافق نخستین برای تأسیس دارالتقریب در سال ۱۹۳۷ میلادی، در دوران مرحوم شیخ مراغی به وجود آمد، البته تأسیس رسمی آن، در سال ۱۹۴۷ صورت گرفت؛ ولی متأسفانه این کانون عملاً از ۲۵ سال پیش در مصر تعطیل شده است. ایران پس از انقلاب اسلامی، وظیفه خود را در این زمینه انجام داد و «مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی» را با شرکت جمعی از علمای «مذاهب اسلامی» تأسیس کرد؛ اما من شخصاً بر این باورم که در نبود مصر و الازهر، نمی توانیم وظیفه مان را در قبال ملت‌های مسلمان در تمام جهان، به طور کامل به انجام برسانیم.

همچنین اعتقاد دارم که ما همچنان به تقریب نیاز مبرم داریم و اتفاقاتی که مثلاً در پاکستان و افغانستان روی می دهد و ترور شخصیت‌های مذهبی برجسته، یعنی علمای فرقه های اسلامی به دست متعصبان مذهبی، هم اکنون پیش روی ماست. بر همین اساس «اختلاف موجود مذهبی» ثابت می کند که جهان اسلام به «دارالتقریب» و حرکت تقریب نیاز دارد و به خواست خدا مخصوصاً از مصر و ایران، برای تقریب میان پیروان مذاهب، باید کارش را آغاز کند.

من پیشنهاد می کنم که این «میزگرد» برنامه کاری داشته باشد و پیشنهادهای مشخصی ارائه شود و این میزگرد سرآغاز میزگردهای دیگری درباره تقریب بین مذاهب محترم اسلامی باشد که جناب دکتر شیخ طنطاوی در برگزاری آن نظارت کنند و هر یک از ماها، در چارچوب دارالتقریب وظیفه ای را در کشور خویش برعهده بگیریم.

همچنین پیشنهاد می کنم که دارالتقریب انتشار مجله ارزشمند و مشهور «رساله الاسلام» را از قاهره آغاز کند. چون این مجله نقش ویژه ای در میدان روشنگری فکری و معرفی مذاهب فقهی اسلامی، به عهده داشت و فکر می کنم که اکنون برای تقویت روابط میان تمام کشورهای اسلامی، نشر مجدد آن اهمیت خاصی دارد و با توجه به چالش هایی که امروز جهان اسلام با آن روبروست، یک ضرورت اساسی به شمار می آید. البته ما آمادگی کامل داریم که در قبال این طرح و پیشنهاد، وظیفه مان را انجام دهیم و با جدیت و تعهد تلاش کنیم.

۲

بخش اول در مسائل مطرح شده میزگرد تقریب بین مذاهب اسلامی، با مشخص کردن دیدگاه اسلامی روشن برای مقابله با اختلافات مبلغان مذاهب گوناگون و پیروان آنها به پایان رسید. این گونه اختلافات به تعمیق شکاف و برانگیختن فتنه ها و خونریزی می انجامد که آن هم به دلیل درک ناقص برخی افراد، در پاره ای از جوامع است.

بر اساس این دیدگاه ها تصمیماتی بس مهم با موافقت کلیه حاضران «میزگرد» مطرح شد که عبارت است از: برپایی مرکز گفتگوی اسلامی وابسته به دفتر شیخ الازهر تا به عنوان مرجعیتی برای پایان دادن به اختلافات، تصحیح مفاهیم و رویارویی با تحولات جدید پردازد. این مرکز مأموریت همکاری و تکامل با مراکز دیگر را که به همین منظور در کشورهای مختلف اسلامی برپا می شود و نهادهای گوناگون مردمی، بر عهده خواهد گرفت.

میزگرد، به احیاء و فعال کردن مجدد دار تقریب بین مذاهب که از بیش از نیم قرن پیش در «مصر» تأسیس یافت دعوت کرد. علمای دینی از ایران، سلطان نشین عمان و لبنان ابراز عقیده کردند که قاهره با توجه به جایگاه، نقش و مسئولیت تاریخی آن، شایستگی رهبری حرکت روشنگری و تصحیح مفاهیم برای جلوگیری از مخدوش کردن تصویر اسلام را دارد، تا مسلمانان در برابر روند جهانی شدن، گفتگوی تمدن ها و مشکلات فراوان و پی درپی که جهان در عصر حاضر شاهد آن است، متحد شوند.

بخش اول مباحث این میزگرد از نظر گرامیتان گذشت. اینک به بخش دوم و مهم این میزگرد می پردازیم.

«الاهرام»: قاهره

محمود مراد: گفتگو تا کنون اشتهای ما را بازتر کرد! مضافاً اینکه جناب آقای خسروشاهی سفیر ایران - در قاهره - پیشنهادهای مشخصی را درباره ضرورت احیای یا تأسیس دارالتقریب بین مذاهب ارائه کردند و مسئولیت این امر را

برعهده شیخ الازهر گذاردند. در واقع بنده ضمن ستایش از این پیشنهاد، عرض می‌کنم که واقعاً اگر با گفتگوی تمدن‌ها و گفتگوی بین ادیان سر و کار داریم، باید یک مرجعیت واحد، برای تقریب وجود داشته باشد و این مرجعیت واحد با سازمانها و نهادهای تقریب بین مذاهب در هر کشور اسلامی، همکاری و همفکری داشته باشد و از خلال آن، نخبگان موجود در «کمیته مرکزی» که نماینده مرجعیت هستند، با یکدیگر هماهنگی کنند تا مراکز موجود در جهان اسلام، مکمل همدیگر باشند. باید گامهای عملی و دیدگاههای روشن‌تر در بین مردم کوچه و بازار ایجاد کنیم، زیرا همان گونه که گفته شد، در پاکستان و افغانستان عملیات ترورهای مشکوک از این یا آن مذهب انجام می‌گیرد، پیشنهاد بنده همین است و نظر، نظر شماست.

محدود نکردن مذاهب

لبنان - شیخ محمود فرحات : بسته بندی و مشخص یا محدود کردن مذاهب در روزگار حکومت ممالیک در قاهره آغاز گردید و مذاهب اسلامی متأسفانه در چهار چوب مذاهب چهارگانه، خلاصه شد و امروز ما از مصر می‌خواهیم، بسته بندی را باز کرده و محدودیت از مذاهب را بر دارد!، به طوری که مذاهب اسلامی که بر همان اصول، اعتقادات و خط فقهی اصولی که دارند، در مجموعه و در چارچوب دایره اسلامی، قرار گیرند.

تمام آنچه که این برادران گفتند عالی است، به‌ویژه بیانات جناب آقای وزیر که به طور خلاصه فراگیر و روشن مطلب را ارائه کردند. ولی سؤال این است: درمان چیست؟ و چه کسی مسئولیت این امر را بر عهده می‌گیرد و ابتکار عمل با کیست؟

جناب وزیر به مسئولیت حکومتها اشاره داشتند و بنده با ایشان اتفاق نظر دارم، بلکه شاید برخی حکومتها با یکپارچگی موضوع موافق نباشند، زیرا اختلاف مذهبی در «اسلام سیاسی! - حکومتی» شروع شد و این گونه مورد بهره برداری قرار گرفت، تا اینکه دامنه پیدا کرد و شدت گرفت و تا آنجا رسید که اکنون همه ما می‌نالیم و درد می‌کشیم!

در مورد نقش الازهر، هیچ مسلمانی منکر این نقش نیست و اگر انکار کند، اشتباه می‌کند همچنان که نقش کانون دیگر اسلام در ایران - مجمع جهانی

تقریب - مهم است، یعنی این دو، نقش مسئولیت نزدیک سازی دیدگاه ها و تقریب نگرشها را بر عهده دارند

پس مسئله این است که «الزهر» و مرجعیت های «قم» به طور روشن اعلام موضع کنند و بگویند: «همه ما مسلمانیم و به اصول و اعتقادات واحد ایمان داریم» (اگر چه با یکدیگر اختلافاتی در فروع دارند) از الزهر می خواهیم به برادران اعلام کند: «کسانی که می گویند شیعه کافر است، غلط است و شیعه کافر نیست» و این مسئولیت الزهر است.

همچنین باید در مراکز شیعه، به طور مداوم توضیح داده شود که مذاهب چهارگانه یا مذاهب اسلامی که بر همان اصول و مبانی تکیه دارند، صحیح و درست هستند: البته، شیعیان «قیاس» نمی کنند... برخی از مذاهب چهارگانه قائل به «استحسان» هستند و بعضی می گویند استحسان ۹ دهم علم است! و عده ای می گویند: هر کس استحسان کند احکام جدیدی وضع کرده و هرکس چنین کند، کفر ورزیده است! اینها به نظر ما، اختلافات فرعی و غیرریشه ای هستند و هیچ پیوندی با اصولی که همه در آنها متفق هستیم، ندارند.

ساز و کارهای تقریب

ایران - علی المؤمن:^(۱) درباره سازوکارهای تقریب صحبت می کنم. این سازوکارها تنها شعارها یا پیامهای تشویق و آمال و آرزو نیست، بلکه سلسله ای از فعل و انفعالات عمیق میان مجموعه ای از خطوط است که خطوط کلی روند را تشکیل می دهد. فکر می کنم این خطوط به پنج بخش تقسیم می شود: روانی، تبلیغاتی، اجتماعی، سیاسی و علمی. این خطوط یکدیگر را تکمیل و در هم تداخل پیدا می کنند! و هر کدام در خدمت اهداف دیگر قرار می گیرند و هر کدام می تواند به شکل نهادها و ابزارهای سازمان یافته ای، تجسم پیدا کند.

درباره خط روانی، فقط به طور اشاره می گویم: این خط در اجتناب از تمام انواع حساسیت ها میان مسلمانان و ایجاد حسن ظن نسبت به دیگر مذاهب اسلامی، دوست داشتن پیروان این مذاهب، همدردی با آنها، تجلی می یابد. باید با جان و دل به این واقعیت باور یافت که تمام مذاهب سرشت مشترکی دارند.

۱. مسئول «مرکز الدراسات المستقبلية» - قم، میهمان شرکت کننده در کنفرانس «تجدید اندیشه اسلامی» در قاهره، که در میزگرد «تقریب» نیز حضور داشت.

خط تبلیغاتی در ایجاد راهبرد تبلیغاتی مشترک جهت تقریب ظاهر می شود که در آن، اغلب رسانه های اسلامی معتقد به روند تقریب در چارچوب راهبرد مشترک به منظور آفریدن فرهنگی به نام «فرهنگ تقریب» شرکت می کنند. این مأموریت دست اندرکاران رسانه هاست که مأموریت علماء را تکمیل می کند. ایجاد فرهنگ تقریب در محافل اجتماعی اسلامی، در ایجاد آگاهی وحدت گرا و نزدیکی خواه و در افکار عمومی اسلامی شکل می گیرد که بر مسئولان، حکومتها، علما و مؤسسه های دینی فشار می آورد. خط سوم، خط اجتماعی است که محورهای آن در همیاری و پایاپایی اجتماعی میان مسلمانان، تجلی می یابد. این همیاری و همکاری بسیاری از موانع نظری و علمی را از میان بر خواهد داشت. در اینجا باید یادآوری کرد که لازم است دیدارهای تقریب فقط محدود به علماء یا رهبران مسلمانان نباشد، بلکه همچنین در بین همه طبقات امت، تسری پیدا کند!

خط چهارم یعنی خط سیاسی، در ایجاد همبستگی در زمینه های سیاسی، دفاع از ملتهای مسلمان و اتخاذ مواضع یکپارچه در محافل بین المللی، رسمی و مردمی در رویارویی با بدخواهان، تجلی می یابد.

خط پنجم که خط مهمی است، خط علمی می باشد. گامهایی که در این راستا باید برداشته شود، عبارتند از: آشنایی با حقایق مذاهب دیگر و بررسی عالمانه منابع آنها و گفتگو با یکدیگر. وقتی در سودان بودم در کتابخانه های بسیاری از علما و روشنفکران اهل سنت حتی یک کتاب از علمای شیعه را پیدا نکردم، حال آنکه وارد کتابخانه هر روشنفکر یا عالم شیعی که در ایران، لبنان، عراق، پاکستان و... می شویم، کتابهای فراوانی از اهل سنت می یابیم، بنابراین ناگزیر هستیم با حقایق مذاهب دیگر از طریق بررسی منابع اصلی آشنا شویم و به گفته های شرق شناسان و دشمنان دین تکیه نکنیم.

مطلب مهم دیگر، مسئله «بازبینی» است به این معنا که هر مذهب یا گروه، دوباره مبانی علمی خود را بازبینی نمایند! بهویژه در مورد مسائلی که موجب اختلاف و درگیری مسلمانان شده و مانع از پیوند و تلاقی آنان می گردد.

برای اینکه میزگرد کنونی از آنچه معمولاً در این قبیل مناسبتها مطرح می شود پا فراتر بگذارد، پیشنهاد می کنم این میزگرد به سؤال «چه باید کرد؟» پاسخ دهد

و اینکه چه گامهای عملی برای اجرای خطوط مذکور در روند تقریب باید برداشته شود؟

طرح شلتوت - قمی

مصر - ایران عبدالله قمی (دبیر دارالتقریب قاهره): اولاً مایلم ابتدا به آنچه آیت الله تسخیری درباره حکمرانان گفتند، اضافه کنم که آنچه دیگران انجام دادند و موجب تفرقه گردیدند، «تقریب» در مصر آن را ناکام ساخت و راه مثبت را به انجام رساند. گمان می‌کنم همه ما اتفاق نظر داریم که اختلافاتی در اصول وجود ندارد، ولی همان گونه که جناب آقای وزیر گفتند، یک چیزی وجود دارد و گرنه اکنون اینجا نمی‌نشستیم و بحث نمی‌کردیم!

من فکر می‌کنم این امر در کوچه و خیابان وجود دارد!... در اموری که اصولاً وجود ندارد - مثلاً مسئله تحریف قرآن! - متأسفانه شک و تردید وجود دارد و اعتقاد دارم به مصلحت ماست که آنها را مطرح نمایم تا زیر نور، معلوم شود؛ زیرا هر قدر در تاریکی بماند بزرگ می‌شود و اوضاع بدتر می‌شود و اتهامات متقابل افزایش می‌یابد. فکر نمی‌کنم اکنون با وجود رسانه‌های تبلیغاتی جدید، رهایی از اینها دشوار باشد، آن هم با پیام‌رسانی صحیح اسلامی که در جهان، در حال گسترش است.

ثانیاً در مورد تعصب. مایلم به سخنان شیخ اسبق الازهر حضرت شیخ محمود شلتوت اشاره کنم، مبنی بر اینکه اشتباهات تاریخی در خصوص مذاهب اسلامی وجود داشته و اینکه مسلمانان حق دارند از تعصب توجیه‌ناپذیر نسبت به مذاهب خاصی رهایی یابند. ایشان گفتند: دین خدا و شریعت الهی هرگز وابسته و محدود به مذهب خاص و مشخصی نبوده است. البته برای شیخ شلتوت و همکاران مجاهد ایشان - مبلغان تقریب در اواسط قرن گذشته - چون: مرحوم شیخ مراغی، شیخ عبدالمجید سلیم، شیخ مصطفی عبدالرزاق، شیخ محمد تقی قمی و شیخ عبدالعزيز عیسی و دیگران، همین افتخار کافی است که خداوند متعال حق را پیروز کرد و دعوت آنان به فضل الهی، به سر منزل مقصود رسید و امید می‌رود دعوت آنان مجدداً احیاء گردد.

در مورد دارالتقریب، ما از دو سال پیش طرحی را جهت احیای طرح شلتوت - قمی آغاز کردیم که بر جمع‌آوری احادیث مورد اتفاق دو گروه (سنی -

شیعی) به علاوه احادیث مذهب زیدی، مبتنی بود. مرحوم شیخ سید سعود نایب رییس اسبق الازهر، بر این طرح نظارت می کرد و اکنون تا حدودی با دبیر کل مجلس اعلای امور اسلامی دکتر عبدالصبور مرزوق همکاریهایی را آغاز کرده ایم تا از تحقیقات موجود در مجلس اعلاء، بهره برداری کنیم، ولی طرح ناتمام مانده و ما اکنون می خواهیم دوباره آن را احیای کنیم و از (وزارت) اوقاف و الازهر و از برادران در ایران، تقاضای کمک و یاری و ارائه این اطلاعات را داریم تا در مسئله مورد بررسی، مرجع ما باشند.

مرکز گفتگوی اسلامی

محمود مراد: از خلال اظهارنظرها و ملاحظات ارائه شده، درمی یابیم که تقریب بین مذاهب ضرورت دارد. زیرا آثار اختلافات به طور منفی بر جوامع اسلامی منعکس شده و به سرحد کشتار متقابل و تکفیر متقابل رسیده است، و این می تواند تصویر و چهره اسلام را مخدوش و حرکت مسلمانان را متوقف سازد. این اتفاق در حالی روی می دهد که ما با گفتگوی تمدن ها و روند جدید جهانی شدن سر و کار داریم. این امور در حالی میان مسلمانان اتفاق می افتد که اسلام، ادیان گوناگون را به هم نزدیک کرده است.

بنابراین ما به تقریب میان مذاهب و پیروان آنها نیاز مبرم داریم. گمان می کنم که بر سر ضرورت توجه به این مهم و یکپارچه کردن مرکزیت، اتفاق نظر وجود دارد و چه بسا این امر به تأسیس «مرکز گفتگوی اسلامی» وابسته به الازهر، بینجامد و کانونهای دیگری برای این گفتگوی اسلامی در قم و تعدادی از کشورهای اسلامی، دایر شود و این کانون در قاهره به صورت هماهنگ کننده عمل کند، تا به ویژه در نظریات فقهی و فتواها، تضادها و درگیری ها، اختلافات خاصی به وجود نیآورد.

تصور می کنم ما بر سر این مرجعیت مرکزی و لزوم برگزاری «کنفرانس تقریب بین مذاهب» اتفاق نظر پیدا کردیم و اینکه از خلال این شکل رسمی، تحرک روزانه به وجود بیاید و نیز از اخلاص احیای نهادهای «جامعه مدنی» چون «دارالتقریب بین مذاهب در قاهره» تا در این مهم سهیم شود. همچنین امکان پیدایش نهادهای دیگری در دیگر کشورهای اسلامی به وجود آید.

همه حاضران در جلسه، با این پیشنهادها اعلام موافقت نمودند، سپس دیدگاهها و توضیحاتی ارائه شد.

تفاوت قرآن ها

مصر - دکتر محمود حمدی زقزوق: مایلم فقط در مورد سخن برادر گرامی عبدالله قمی توضیحی ارائه کنم. ایشان به دشمنی مردم کوچه و بازار اشاره کردند؟ ولی من باید بگویم که این امر هرگز در میان مردم کوچه و بازار مصر روی نمی دهد. نمی توان گفت که در مصر اهل سنت به اهل بیت دشمنی می ورزند و ما در مصر اتحادیه ای برای اشراف «سادات» داریم که به فرمان رئیس جمهوری تأسیس شده است. بنابراین مطلقاً هیچ گونه دشمنی وجود ندارد. هرکس به مسجدالحسین یا سیده زینب یا سیده نفیسه سر بزند، میزان علاقه مردم کوچه و بازار به اهل بیت را لمس می کند.

در مورد تحریف قرآن بنده استاد راهنمای یک دانشجوی قطری در دوره دکتری به نام خانم عائشه المناع بودم. موضوع پایان نامه وی درباره بررسی تطبیقی شیعه امامیه و معتزله پیرامون مسائل اعتقادی دور می زد و تمام نظریات مختلف را آورده بود و مسئله تحریف و تفاوت قرآنها را به کلی رد کرده بود و این سخن، مربوط به برخی از غلات است که علمای شیعه آنها را به رسمیت نمی شناسند. در بین اهل سنت تلاشهایی برای توضیح این مفاهیم نادرست انجام می گیرد تا روشن شود تا چه حد این مفاهیم باطل است. ما با شما اتفاق نظر داریم که لازم است از تلاشهای علمای قبلی در تقریب بین مذاهب اسلامی در دوره ای که دارالتقریب در مصر سر پا بود، قدردانی شود.

تبلیغات

مسقط - عمان، شیخ احمد بن مسعود السیابی: چند ملاحظه دارم! در مورد کشمکش های سیاسی - تاریخی که جناب شیخ تسخیری به آن اشاره کردند و استاد دکتر محمود حمدی زقزوق هم به آن پرداختند که نسلهای قبلی باعث این کشمکش ها شدند، ولی تأثیرات آن همچنان بر نسلهای کنونی انعکاس می یابد. از این رو، این امر به تصمیم عموم مسلمانان بستگی دارد، همان گونه که خلیفه

عمر بن عبدالعزیز گفت: «این مسئله از شمشیرهای ما در امان مانده، پس بگذارید از زبانهای ما نیز در امان بماند!»

بنابراین جهان اسلام به تصمیم‌گیری اسلامی عمومی نیاز دارد تا این کشمکش‌ها زدوده شود و به عنوان یکی از اصول تاریخی قلمداد نشود و این تصمیم‌گیری شجاعانه از نمادهای امت اسلامی، یعنی علمای و اندیشمندان؛ بر می‌آید.

در مورد نقش دستگاههای تبلیغاتی در تقریب بین مذاهب، باید بگویم که در واقع دستگاههای تبلیغاتی در هر کشوری به افکار عمومی آن کشور شکل می‌بخشند و بسیاری از ملتها بر اساس جهت‌گیری‌های تبلیغاتی هدایت می‌شوند. تبلیغات سلاح خطرناک و کارآمدی شده و به همین دلیل، این مسئله باید از سوی دستگاههای تبلیغاتی دنبال شود، تا در بین مردم کوچه و بازار کشورهای اسلامی تأثیر لازم را بگذارد.

تقریب میان پیروان مذاهب اسلامی

مصر - حضرت مفتی (شیخ نصر فرید واصل): این مطلبی که عرض می‌کنم، برای مزید توضیحات پیرامون تمام نظرهایی است که به منظور احیای این اصل بنیادین، یعنی تقریب بین مذاهب و علماء اسلامی و در عین حال تقریب میان امت اسلامی به طور اعم، ارائه شده است. پیش از این توضیح دادم که تقریب بین مذاهب اسلامی به خودی خود مد نظر نیست (چون تحصیل حاصل است)، بلکه مقصود تقریب میان پیروانی مطرح است که به این مذاهب وابستگی دارند. زیرا علماء امت اسلامی و مجتهدان این مذاهب، در تمام دوران‌ها، به خوبی می‌دانند که این مذاهب یک واقعیت انجام شده و جزو نشانه‌ها و تمایزهای شریعت اسلامی و اسلام بشمار می‌آیند، زیرا چنانکه می‌دانیم، میان شریعت اسلامی و فهم و درک آن تفاوت‌هایی وجود دارد. شریعت اسلامی در عرصه اعتقادات و اصول اساسی ثابت و پایدار است، ولی در مورد درک فهم این شریعت، به گونه‌ای که برای هر زمان و مکانی صالح و مناسب باشد، این امر نیاز به «فقه شرعی» دارد که بر اصول متکی است و این فقه است که فرق قائل می‌شود میان اصول و امور ثابت که هیچ مجتهد یا مذهبی از مذاهب تا روز

واپسین در آن اختلاف نظری ندارند و بین امور مستحدثه ای که نیاز دارد به اینکه آن امور را با متون شرعی - خواه اصلی یا اجتهادی - ارتباط دهیم. در اینجا اساساً اختلافی نمی بینیم، ولی طبق شرایط تاریخی، این افکار بنا به شرایط سیاسی یا تاریخی یا تعصبات، از جنبه فقهی صحیح و از شریعت اسلامی فاصله گرفته و پیروان این مذاهب بودند که میان ایدئولوژی و شریعت از یک سو و مذهب به عنوان یک مذهب دارای اصول و مبانی فقهی و سیاسی از دیگر سو، جدایی افکندند.

ما ناگزیر هستیم این مراحل را پشت سر بگذاریم، زیرا همه نسبت به دلایلی که به تفرقه بین امت اسلامی و تأثیر منفی ناشی از آن آگاهی داریم و از شرایط حاضر نیز اطلاع داریم که اکنون مسلمانان همگی دور هم می نشینند و درباره هر مسئله کوچک و بزرگ، به بحث می پردازند و راه حل ارائه می دهند و در همان لحظه همه مردم، با تمام وسایل، از آن مطلع می شوند.

از این رو اگر «بیماری» شناخته شود، «درمان» آسان می گردد... ما اکنون در سطح فرهنگی به خوبی آگاهی داریم چه دلایلی به عقب ماندگی امت و تفرقه بین علماء و پیروان این علماء و چگونگی رسیدن به این مرحله، انجامیده است. ما الان در جستجوی درمان هستیم... از این رو تقاضا دارم. و این تنها یک پیشنهاد است که به هیأت علمی محترم (در این میزگرد) ارائه می کنم و آن اینکه تقریب بین مذاهب نیاز به «تقریب» جدید ندارد؛ زیرا مذاهب واقعیت های عینی هستند و چنان که گفتیم، نمی توان مذاهب را در یک مذهب واحد ادغام کرد. این یکی از امتیازات اسلام است زیرا فقه اسلام، فقه مذاهب است و تا روز قیامت ادامه خواهد یافت و راز جاودانگی آن همین است، ولی آنچه مورد نظر است تقریب میان پیروان این مذاهب، بهویژه میان علماست - و نمی گویم میان عوام، زیرا عوام مذهبی ندارند و کسی که به آنان مذهب می بخشد، علماء هستند... - در این مورد سخنی را ذکر می کنم.... «العلماء بأقوالهم لا بأفئدتهم» یعنی آنچه مهم است، گفتار و طرز بیان علماست نه اینکه در دل های آنان چه می گذرد و متأسفانه این علماء بودند که در گذشته بین امت اسلامی اختلاف ایجاد کردند. یعنی با سخنان خود، نه با قلوب خود! لذا تقاضای بنده این است. باید اکنون گفتگوی ما و جلسه ما، «تقریب میان پیروان مذاهب اسلامی» باشد.

مطلب دوم در مورد روند درک یا خلط مفاهیم است که در مسئله فتوای صادره درباره مسئله فلسطین و عملیات «استشهادی» دیده می شود. فکر می کنم رسانه های تبلیغاتی، متأسفانه دلیل اصلی این خلط مبحث هستند، زیرا همچنان، تاکنون آنها «عملیات شهادت طلبانه» را انتحاری می خوانند! این مسئله خطرناکی است، زیرا چگونه می توانیم همزمان میان صفت انتحاری و شهادت طلبانه را جمع کنیم؟ سپس باید این مفاهیم را روشن کنیم و رسانه های تبلیغاتی نقش بسزایی در این مورد دارند. بنابراین وصف «انتحاری» باید از میان برود.

همچنین «دیوار ندبه»؛ این نیز مسئله خطرناکی است و باید به این مسائل توجه کنیم چه، این امور با وسایل فرهنگی میان ما پخش می شود و ما هم تکرار می کنیم و بعدها به صورت واقعیت ثابت در می آید و دیگران از آن استفاده می کنند.

در پایان این توضیحات، تقاضا دارم به هدف اساسی، از خلال احیای وسیله امکان تقریب عملی از دیدگاه عملی دست یابیم، نه به خاطر این که به تاریخ بازگردیم، بلکه به خاطر اینکه شرایط جاری چگونه است و راه حل چیست؟ خصوصاً اینکه ما در وضعیت مطلوبی قرار نداریم و امتهای دیگر با سوء استفاده از تشّت و پراکندگی مذهبی ما، دامنه این تفرقه را گسترش دادند و آن را به صورت یک امر واقعی و انجام شده درآوردند، زیرا ما حتی در کنفرانسهای عمومی، همچنان بر سر اموری کوچک اختلاف پیدا می کنیم!

در پایان سخنانم از جناب امام اکبر تقاضا دارم با پذیرش این فکر در جهت احیای دارالتقریب بین پیروان (نمی گویم بین مذاهب) تلاش کنند تا سرانجام همه به یک فکر واحد و یک روش واحد در مسائل عمومی و مسائل زمانی کنونی و آینده که مورد اهتمام امت اسلامی است، برسند و هدف مورد نظر یعنی قدرتمندی امت در زمینه های اقتصادی، سیاسی و مسائل عمومی تحقق یابد.

فرهنگ تقریب

ایران - جناب شیخ محمدعلی تسخیری: من باز چند تذکر و ملاحظه دارم... نخست اینکه اعتقاد دارم حکم رانان نقش مهمی در زمینه سازی مناسب برای انجام این دیدارها دارند، زیرا امروز «اراده سیاسی» حرف اول را می زند

ملاحظه دوم درباره گفتگو است. فکر می‌کنم ما نمی‌توانیم گفتگو را به یک زمینه محدود سازیم، یعنی گفتگو می‌تواند فقهی، فکری و نیز عملی باشد، پیرامون نقشه عملی مشخصی برای پاسخگویی به یک نیاز و پرسش فراگیر در مسئله جهانی شدن یا مسئله حقوق بشر یا مسئله ارزشهای خانوادگی باشد. و حتی اگر اختلاف نظر وجود داشته باشد، می‌توان در آن همکاری کرد و به یاد دارم که همکاری با مسیحیان در کنفرانس «جمعیت و توسعه» در قاهره تأثیر بسیار زیادی در تغییر مطالب مهمی در «سند بین المللی» صادره داشت که مورد موافقت قرار گرفت. همکاری الازهر، کشورهای اسلامی و مسیحیان تأثیر بسزایی در تغییر مندرجات «سند» برجای گذاشت.

ملاحظه سوم: وقتی برای بزرگداشت مرحوم علامه شیخ شلتوت و آیت الله بروجردی در تهران گرد هم آمدیم، یکی از برادران اندیشمند - مصری گفت که: «شیخ شلتوت گام اول را برداشت و علمای شیعه باید گام دوم را بردارند». ایشان گمان می‌کرد گام اول، راه تغییر مذهب از تسنن به شیعه را باز کرد! از این رو بایستی زمینه را فراهم کرد تا انسان بتواند عکس این راه را نیز پیماید! بنده به برادرمان گفتم: مشکل این نیست که انسان از مذهبی به مذهب دیگر بگراید؛ زیرا این مشکل بستگی به نظر هیچ کس ندارد. ما هرگز تشویق نمی‌کنیم که پیروان یک مذهب به مذهب دیگری روی بیاورند. بگذارید هر کس از مذهب خودش پیروی کند، ولی مشکل و نگرش منفی پیرامون این مذهب نسبت به پیروان مذهب دیگر نهفته است و او را «خارج از دین» می‌شمارد. مرحوم شیخ شلتوت همین نگرش در قبال شیعیان و علمای شیعه را از میان برداشت.

ملاحظه آخر این است که فرهنگ تقریب نمی‌تواند به صورت فرهنگ درآید اگر در دایره طبقه ای خاص بماند و به سوی دایره فکری عمومی گسترش نیابد، بلکه من می‌خواهم آن را به میان توده‌ها بفرستیم یا همچنان که جناب مفتی می‌فرماید، به میان پیروان مذاهب بفرستیم، توده‌ها باید احساس کنند که موقعیتی برای تقریب وجود دارد، از این رو باید بر «فرهنگ تقریب» در این امت تأکید کنیم.

و آخرین ملاحظه: بنده بر این باورم که فکر تشکیل مجمع اجتهاد «یا اجتهاد جمعی» در مرکز «گفتگوی اسلامی»، که قرار است به پیشنهاد و تحت نظر شیخ الازهر تأسیس شود، فکر خوبی است که هدف آن در واقع تقریب است.

اختلاف مذاهب، رحمت الهی

مصر - دکتر احمد عمر هاشم (رئیس دانشگاه الازهر): در واقع این دیدار از مهمترین دیدارهاست با توجه به حضور امام اکبر و دکتر وزیر و مفتی و آقایان علمای اهل سنت و شیعه، زیرا که ما در واقع در این مرحله ای که امتان از سر می گذراند، نیاز مبرم به تقویت بلکه یکپارچگی عقیدتی، فکری، علمی و رفتاری داریم؛ زیرا اینها زیر بنای وحدت صفوف مسلمانان است

پس ما نیاز مبرم به تقریب داریم. ما همگی مسلمان و یکتا پرستیم اگر دیدگاههایی باشد، می توانیم در آنها تلاقی کنیم، به این معنا که منابع قانونگذار و احکام اسلامی یکی است و اختلافی بر سر آنها، میان مسلمانان و نه میان هیچ یکی از پیروان مذاهب نیست. اختلافی بر سر کتاب خداوند متعال (قرآن کریم) و اینکه سنت صحیح پیامبر دومین منبع قانونگذاری اسلامی پس از قرآن کریم است، وجود ندارد.

بنابراین در مورد چگونگی قانونگذاری اسلامی اختلافی نیست و اگر خود تکالیف دینی را بررسی کنیم، می بینیم که از نظر اعتقادی ما به خداوند، دین اسلام و پیامبر (ص) ایمان داریم و به: فرشتگان، کتب الهی، پیامبران الهی، روز واپسین، قضا و قدر، ایمان داریم و اختلافی در این موارد نداریم.

در عبادتیهایی که به وسیله آن به خدا نزدیک می شویم و خداوند ما را مکلف به انجام آنها کرده است، از جمله: نماز، زکات، روزه و حج و... اختلافی نیست. معاملات، روابط و اخلاق نیز همین طور. بنابراین از امور مورد اختلاف چه چیزی می ماند؟ تصور می کنم امور مورد اختلاف به دو بخش تقسیم می شود: مسائل فرعی، که آن آسان است و به یاد می آوریم که وقتی خلیفه وقت به امام مالک دستور داد که ابن مسعود و ابن عباس را رها کند و به سوی میانه علم روی بیاورد و کتابی تألیف کند، مالک کتاب «الموطأ» را تألیف کرد و مردم با این کتاب همراهی نشان دادند. خلیفه خواست تمام امت را ملزم به تبعیت از این کتاب کند، ولی نویسنده کتاب امام بزرگوار «مالک» با آن مخالفت کرد و گفت: «نه... ای امیر مؤمنان!» یعنی با الزام مردم به یک نظر و یک کتاب مخالفت ورزید و گفت: «یاران پیامبر(ص) در کشورهای اسلامی پراکنده شدند و هر کدام نظر خود را داشتند که با دیگری متفاوت بود پس بگذار مردم متناسب با عصر و زمان و

مکان خود، رفتار کنند. البته تا وقتی که بر خلاف قرآن کریم یا احادیث پیامبر(ص) رفتار نکرده اند.»

مالک سپس این عبارت را بیان کرد: «اختلاف علما رحمت الهی بر این امت است. هر کدام آنچه را صحیح می داند، می بیند و هر کدام از آنها، راه هدایت اند و هرکدام می خواهند به سوی خدا حرکت کنند.» پس تا وقتی در اصول، قانونگذاریها و متن قرآن کریم یا سنت پیامبر(ص) برخوردی نباشد، اختلافی نیست و اختلاف آسان و ساده و حداکثر پیرامون این دور می زند که چه چیز بهتر و مقدم تر است؟

بخش دوم که مهمتر است - چه بسا اتفاق بیفتد یا گمان می رود که بر آن اختلاف وجود دارد - مسائل اصلی است که گمان می کنم می توان در آن به تقریب روی آورد. به این معنا که وقتی در اینجا دور یک میز جمع می شویم و هر یک اسناد و دلایل خود را ارائه می کنیم، چه بسا به هم نزدیک تر شویم، یعنی به نظریه یکدیگر متقاعد شویم. تقریب نیاز به حسن نیت و حسن ظن دارد که موجود است و به عدم تحجر یا تعصب، احتیاج دارد که موجود است، در این صورت فکر می کنم مسئله میسر خواهد بود، بهویژه اینکه مرحله ای که امت ما و جهان اسلام و اندیشه اسلامی در آن به سر می برد، آکنده از چالشهایی است که دشمنان اسلام علیه اسلام به وجود آورده اند و مستلزم یکپارچگی ماست. اگر دشمنان ما متحد می شوند و در دوران گروه بندیهای بزرگ بسر می برند، بهتر آن است که مسلمانان یکدل و یکپارچه باشند. حتی اگر در پاره ای مسائل اختلافی که به نظر برسد ممکن است مانع ایجاد کند، می توان آن را پشت سرگذاشت تا این تقریب مورد نظر که خیر و صلاح و سعادت امت در آن است، انجام شود.

ضرورت گفتگو!

مصر - دکتر محمد سید طنطاوی (شیخ الازهر): پس از اینکه به سخنان نیکو و توضیحات حکیمانه از سوی برادران شرکت کننده گوش فرادادیم، می‌گوییم: «الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا أن هدانا الله»^(۱) و این هم نوعی نزدیکی و تقریب است. عقل انسانها همانند نورافکن‌هایی است که وقتی در کنار هم قرار گیرند، نور آن افزایش می‌یابد از این رو ما خوشوقتیم که با یکدیگر دیدار و گفتگو می‌کنیم، همدیگر را نصیحت کرده و اخوت فیما بین را تجدید می‌نماییم. من قبلاً کتابی درباره «ادب گفتگو در اسلام» تألیف کرده‌ام. و در آن کتاب نوشته‌ام که خداوند متعال باب گفتگو را باز کرد و این امر را در بسیاری از آیات قرآن می‌بینیم و قرآن کریم در آیات متعددی، این گفتگو را برای همه بیان کرده است. ما این را در سوره «اعراف» و سوره «حجر» و سوره «ص» و سوره‌های دیگر می‌بینیم. ما می‌بینیم که میان خداوند متعال و ملائکه اش گفتگو جریان دارد: «أَنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»^(۲).

همچنین گفتگو با پیامبران گرامی را در بسیاری از سوره‌های قرآن می‌بینیم از جمله حضرت نوح: «و نادى نوح ربه فقال رب ان ابني من اهلي و ان وعدك الحق و أنت أحكم الحاكمين قال يا نوح انه ليس من اهلك انه عمل غير صالح فلا تسألن ما ليس لك به علم اني أعطتك ان تكون من الجاهلين»^(۳). و نیز گفتگوی خداوند با حضرت عیسی را داریم: «أأنت قلت للناس اتخذوني و امي الهين من دون الله قال سبحانك ما يكون لي أن أقول ما ليس لي بحق ان كنت قلته فقد

۱. سپاس خدا را که ما را در این (امر) هدایت کرد و اگر راهنمایی خدا نبود، ما هدایت نمی‌شدیم.

۲. «من گمارنده جانشین در زمینم.» (فرشتگان) گفتند: «آیا در آن کسی را می‌گماری که تباهی می‌کند و خون‌ها می‌ریزد؟ و حال آنکه ما تو را به پاکی می‌ستاییم و منزهت می‌داریم.» فرمود: «من می‌دانم آنچه نمی‌دانید.»

۳. نوح پروردگارش را ندا در داد که: «خدایا، بی‌گمان پسر من (که غرق شد) از خاندانم بود و قطعاً وعده تو (مبنی بر نجات آنها) حق است و تو بهترین حکم‌دهندگانی.» خداوند فرمود: «ای نوح، او از خاندان تو نبود! زیرا کردار ناشایستی داشت. پس دیگر از آنچه بدان آگاه نیستی، مپرس. من پندت می‌دهم تا مبادا از ناد آنها باشی!».

علمته تعلم ما فی نفسی و لا اعلم ما فی نفسک انک انت علام الغیوب ما قلت لهم الا ما امرتني به أن اعبدا الله ربی و ربکم و کنت علیهم شهیدا ما درمت فیهم فلما توفیتنی کنت انت الرقیب علیهم و أنت علی کل شی شهید...»^(۱) و آیات دیگر.

من وقتی به واژه «قول» و مشتقات آن در قرآن مجید رجوع کردم، دیدم که این کلمه بیش از ۱۵۰۰ بار در قرآن تکرار شده و فعل امر (قل) در سوره انعام به تنهایی ۵۰ بار تکرار می شود و در یک آیه بیش از چند بار: «قل ای شی اکبر شهادة، قل الله شهید بینی و بینکم و أو حی الی هذا القرآن لأنذرکم به و من بلغ أنکم لتشهدون... أن مع الله آلهه اخرى قل لا اشهد، قل انما هو اله واحد و اننی بری مما تشرکون» چهار بار در یک آیه.

و بدین ترتیب می بینیم که «گفتگو» مورد استقبال قرآن مجید قرار گرفته است... من شخصاً (البته من بر این باورم و شاید دیگران با من اختلاف نظر داشته باشند) به گفتگو با دوستان و با دشمنان، با افراد دور و نزدیک ایمان دارم... این گفتگو قطعاً به خیر می انجامد، تا وقتی که نیت پاک باشد و تا وقتی که قصد خیر داریم و برای همکاری در برّ و تقوا، نه بر گناه و تجاوز تلاش کنیم.

مهم این است که دل پاک، عقل سالم، نیت‌های پاک وجود داشته باشد. آنچه اکنون میان مسلمانان اتفاق می افتد، به سبب اختلاف دینی و عقیدتی نیست، زیرا در «الجزائر» همگی یک مذهب دارند، یعنی مالکی هستند، ولی نگاه کنید چه اتفاقاتی آنجا می افتد؟ این مسئله به عدم درک صحیح دین باز می گردد! اما در الازهر تمام مذاهب اسلامی را تدریس می کنیم.

بنابراین تمام آرزوی ما این است و تلاش ما باید در این راستا باشد که شمار عاقلان افزایش یابد و از ۵۰٪ بیشتر شود و در این صورت خدا را سپاس می گوئیم و بایستی همه ما برای توضیح مفاهیم به روشی نیکو، نیت پاک،

۱. آیا تو به مردم گفتی: «من و مادرم را سوای خداوند به عنوان معبود در نظر بگیرید؟» (عیسی) گفت: «تو منزه‌ی. من نمی توانم چیزی بگویم که سزاوارم نیست. اگر من گفته بودم، تو خود می دانستی. تو آنچه را در نفس من است می دانی و من آنچه را در توست، نمی دانم. حقا که تو دانای نهان ها هستی. من جز آنچه بدان فرمان دادی به ایشان نگفتم، که: «الله - پروردگار من و پروردگار خودتان - را پرستید.» و من خود تا هنگامی که در میانشان بودم، بر آنها گواه بودم و چون مرا برگرفتی، خود مراقبتان شدی و تو بر هر چیزی گواهی.

اخوت راستین، محبت بی شائبه برای رضای خدا، تلاش کنیم و به همدیگر حسن ظن داشته باشیم و به حدیث پیامبر(ص) عمل کنیم که فرمود: «ایامکم و الظن فان الظن أكذب الحديث» و: «اجتنبوا كثيراً من الظن ان بعض الظن اثم». تقریب با ارتباط، تفاهم، همکاری، اخوت و محبت و نیز با گسترش این فضیلت ها در جامعه، انجام گردد.

در مورد «دارالتقریب» باید بگوییم که ما با استاد عبدالله قمی مرتبط هستیم و همدیگر را ملاقات می کنیم. «تقریب» اصل است و همه ما به هم نزدیک هستیم و هیچ دوری و جدایی میان ما مطلقاً وجود ندارد، بلکه آنچه هست، همکاری در کار نیک و تقواست، نه در راه گناه و تجاوز.

ما از دوستانی که این فرصت دیدار را برای ما فراهم کرده اند، تشکر می کنیم از استاد محمود مراد و از همه شما تشکر می کنیم و از خداوند مسألت داریم که همواره ما را در راه طاعت خویش گرد بیاورد. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.